

Research Article

Socioeconomic Development Indicators and the Quantity of Drugs Discovered in Iran from 1991 to 2023: A Time Series Analysis

Hamid Sedaghat¹ 

PhD in Sociology, Ministry of Education, Fars Province, Shiraz, Iran.

Yaghoob Hassani 

Assistant Professor, Department of Law, Yasouj University, Yasouj, Iran.

Received: 2025/12/13 Accepted: 2026/06/11

<https://doi.org/10.22034/jis.2026.2078655.1045> 

Extended Abstract

Introduction: The emergence and spread of the drug phenomenon, as one of the most important and complex challenges facing human society in the present era, has acquired wide dimensions. This problem not only causes irreparable damage to the physical and mental health of individuals through addiction, but also, by imposing heavy economic and social costs, weakens and depreciates the material and human capital of societies in a deep and sustainable way. The number of drugs discovered, as one of the key indicators in the fight against organized crime and in measuring the activities of the police and intelligence agencies, has always been the subject of serious attention by security and research institutions. In this study, an attempt has been made to analyze the amount of drug discovery as a function of macro-indicators of socio-economic development.

Method: This research is quantitative in nature and has been conducted based on time series data for a period of 33 years, from 1991 to 2023. To analyze and estimate the short-term and long-term relationships between the variables under study, the Autoregressive Distributed Lag (ARDL) model has been used. All calculations and estimates related to modeling have been made using specialized Microfit software. The economic, social, and security data required for analysis have been collected and compiled from official and reliable sources such as the Statistical Center of Iran, the World Bank, and the Anti-Narcotics Organization.

Findings: The results of the study clearly show that in the long run, the rate of drug seizures is significantly affected by a set of macroeconomic and social indicators. Growth in any of the following factors significantly increases the rate of drug seizures: inflation rate, urban population, labor force participation, literacy rate, and gross domestic product. In contrast, an increase in the rate of female labor force participation acts as a deterrent and is significantly associated with a decrease in the rate of drug seizures.

Conclusion Understanding the underlying factors that contribute to drug crime is the first step in designing an efficient and effective strategic plan to reduce and control it. Undoubtedly, several factors play a role in determining the rate of drug seizures and act as explanatory variables. These factors encompass a wide range of economic, social, psychological, cultural, and political dimensions. Based on the results obtained in this study, the rate of drug seizures in Iran, as an acute and prominent social issue, is influenced by a set of macro-indicators in the economic and social fields.

Keywords: Drugs, Development indicators, Iran, Time-series analysis

Citation: Sedaghat, H., Hassani, Y. (2025). Socioeconomic Development Indicators and the Quantity of Drugs Discovered in Iran from 1991 to 2023: A Time-Series Analysis. *Journal of Industrial Sociology*, 3(1), 1045

1. Corresponding author, E-mail: Hamidsedaghat40@yahoo.com

مقاله پژوهشی

شاخص‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و میزان مواد مخدر کشف شده در ایران از سال

۱۳۷۰ تا ۱۴۰۲: یک تحلیل سری زمانی

حمید صداقت^۱ 

دکترای جامعه‌شناسی، وزارت آموزش و پرورش، استان فارس، شیراز، ایران.

یعقوب حسانی 

استادیار، گروه فقه و حقوق، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۱

<https://doi.org/10.22034/jis.2026.2078655.1045> 

چکیده مبسوط

مقدمه: بروز و گسترش پدیده مواد مخدر، به عنوان یکی از اصلی‌ترین و بغرنج‌ترین چالش‌های پیش روی جامعه بشری در عصر حاضر، ابعاد گسترده‌ای یافته است. این معضل، نه تنها از طریق اعتیاد، خسارات جبران‌ناپذیری به سلامت جسمی و روانی افراد وارد می‌سازد، بلکه با تحمیل هزینه‌های سنگین اقتصادی و اجتماعی، سرمایه‌های مادی و انسانی جوامع را به شکلی عمیق و پایدار تضعیف و مستهلک می‌نماید. میزان مواد مخدر کشف‌شده به عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی در مبارزه با جرایم سازمان‌یافته و سنجش فعالیت‌های پلیس و دستگاه‌های اطلاعاتی، همواره مورد توجه جدی نهادهای امنیتی و پژوهشی بوده است. در این تحقیق، تلاش شده است تا میزان کشف مواد مخدر به عنوان تابعی از شاخص‌های کلان توسعه اقتصادی-اجتماعی مورد تحلیل قرار گیرد.

روش: این پژوهش ماهیتی کمی داشته و با اتکا به داده‌های سری زمانی برای یک بازه‌ی ۳۳ ساله، یعنی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۲، به اجرا درآمده است. برای تحلیل و برآورد روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت میان متغیرهای مورد مطالعه، از الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی استفاده شده است. تمامی محاسبات و تخمین‌های مربوط به مدل‌سازی، با بهره‌گیری از نرم‌افزار تخصصی ماکروفت صورت پذیرفته است. داده‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی مورد نیاز برای تحلیل، از منابع رسمی و معتبری چون مرکز آمار ایران، بانک جهانی، و سازمان مبارزه با مواد مخدر جمع‌آوری و تدوین شده‌اند.

یافته‌ها: نتایج تحقیق به وضوح نشان می‌دهد که در درازمدت، میزان کشفیات مواد مخدر به صورت معناداری تحت تأثیر مجموعه‌ای از شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرد. رشد هر یک از عوامل زیر، به طور معناداری باعث افزایش میزان مواد مخدر کشف‌شده می‌شود: نرخ تورم، جمعیت شهری، مشارکت نیروی کار، نرخ باسوادی و تولید ناخالص داخلی. در مقابل، افزایش نرخ مشارکت زنان در بازار کار به عنوان یک عامل بازدارنده عمل کرده و به طور معناداری با کاهش میزان مواد مخدر کشف‌شده مرتبط است.

نتیجه‌گیری: درک عوامل زیربنایی و زمینه‌ساز وقوع جرم مواد مخدر، گام نخست برای طراحی یک برنامه استراتژیک کارآمد و اثربخش در جهت کاهش و کنترل آن محسوب می‌شود. بی‌تردید، عوامل متعددی در تعیین میزان کشفیات مواد مخدر نقش‌آفرین هستند و به عنوان متغیرهای تبیین‌کننده عمل می‌کنند. این عوامل طیف گسترده‌ای از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، روانی، فرهنگی و سیاسی را در بر می‌گیرند. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در این مطالعه، میزان کشفیات مواد مخدر در ایران، به منزله یک مسئله اجتماعی حاد و برجسته، تحت تأثیر مجموعه‌ای از شاخص‌های کلان در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: مواد مخدر، شاخص‌های توسعه، ایران، تحلیل سری زمانی

ارجاع: صداقت، حمید، حسانی، یعقوب. (۱۴۰۵). شاخص‌های توسعه اقتصادی اجتماعی و میزان مواد مخدر کشف شده در ایران از سال ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۲: یک تحلیل سری زمانی. *مجله جامعه‌شناسی صنعتی*، ۳(۱)، ۱۰۴۵۵.

مواد مخدر، به عنوان موادی که مصرف آنها باعث تغییرات شیمیایی در سیستم عصبی می‌شود، از گذشته‌های دور در زندگی انسان‌ها وجود داشته اما در دنیای صنعتی معاصر ابعاد متفاوت و پیچیده‌ای یافته است. صنعت و فناوری در دنیای معاصر امکان داده است با انجام برخی ترکیبات شیمیایی بر روی مواد مخدر سنتی، گستره‌ای از مواد مخدر صنعتی به وفور در دسترس قرار گیرند. همین امر باعث شده است، مواد مخدر به یکی چالش‌های اساسی جوامع مختلف دنیا تبدیل شود. مواد مخدر با تحمیل دشواری‌های ناشی از اعتیاد، منابع عظیم اجتماعی را در ابعاد مادی و معنوی به هدر می‌دهد (نوئل^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). طبق گزارش جهانی مواد مخدر^۲ (۲۰۲۰)، شمار افراد درگیر سوءمصرف در سطح جهان از ۲۷۵ میلیون نفر فراتر رفته و انتظار می‌رود این رقم تا سال ۲۰۳۰ به بیش از ۳۰۰ میلیون نفر برسد. موقعیت ژئوپلیتیکی^۳ ایران، این کشور را در معرض تهدیدی مضاعف قرار داده است: ایران هم از طریق مرزهای شرقی با افغانستان (بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد افیونی) همسایه است و هم در مجاورت کشورهای آسیای صغیر (تولیدکنندگان عمده مواد صنعتی) قرار دارد. این امر سبب شده است که ایران به طور گسترده‌ای در معرض هر دو نوع مواد مخدر (سنتی و صنعتی) قرار گیرد. مقایسه‌ی نرخ رشد مصرف مواد مخدر در ایران طی سال‌های اخیر (که ۸ درصد برآورد شده) با نرخ رشد جمعیت (که ۲/۶ درصد است)، نشان می‌دهد که رشد مصرف مواد مخدر بیش از سه برابر سرعت رشد جمعیت بوده است. تخمین زده می‌شود در ایران بالغ بر ۴/۴ میلیون نفر افراد دارای اختلال مصرف مواد و روان گردان‌ها هستند شناسایی نشده

وجود داشته باشند (صرامی، ۱۴۰۱). از ویژگی‌های اساسی مواد مخدر این است که می‌توان آن را سرچشمه و عامل اصلی سایر انحرافات و آسیب‌های اجتماعی قلمداد کرد. برآوردهای دفتر پیشگیری از سوءمصرف مواد مخدر نشان می‌دهد که درصد قابل توجهی از جرایم خشن و آسیب‌های اجتماعی با مصرف این مواد مرتبط بوده‌اند؛ از جمله: ۴۹ درصد قتل‌ها، ۸۲ درصد تجاوزها، ۶۹ درصد درگیری‌های منجر به قتل، ۵۰ درصد تلفات سوانح رانندگی، ۲۷ درصد خودکشی‌ها و بیش از ۵۰ درصد موارد همسرآزاری (صرامی، ۱۳۹۳). این آمارها و حقایق، به وضوح بر ماهیت چندوجهی و تخریب‌گر پدیده مواد مخدر تأکید می‌کنند. با توجه به این تهدید گسترده، مقابله و پیشگیری از مواد مخدر دیگر صرفاً یک دغدغه اجتماعی نیست، بلکه یک ضرورت راهبردی برای حفظ ساختار جامعه به شمار می‌رود. با این وجود، تلاش‌های متعددی که در دهه‌های اخیر در سطح جهانی و ملی صورت گرفته‌اند، در عمل نتوانسته‌اند روند فزاینده این معضل را به طور کامل مهار کنند (سازمان جهانی بهداشت^۴، ۲۰۱۸). با وجود اهمیت عوامل فردی و روان‌شناختی در تقاضای مواد، مقابله مؤثر با این پدیده مستلزم درک عمیق‌تر از عوامل ساختاری و کلان اقتصادی-اجتماعی است که بر بخش عرضه و قاچاق تأثیر می‌گذارند. تحقیقات نشان می‌دهند که نوسانات کلان اقتصادی و ضعف شاخص‌های توسعه، به‌ویژه در مناطق مرزی و محروم، می‌تواند با افزایش جذابیت اقتصادی قاچاق و فراهم کردن نیروی کار ارزان، به طور مستقیم بر حجم عرضه و میزان فعالیت شبکه‌های قاچاق تأثیر بگذارند (سامرز و رابرتسون^۵، ۲۰۲۱). بیکاری گسترده، توزیع ناعادلانه درآمد و فقدان فرصت‌های قانونی درآمدزایی،

4 . World Health Organization
5 . Summers, & Robertson

1 . Noël
2 . World Drug Report
3 . Geopolitical

همگی به عنوان عوامل پیشران عمل کرده و می‌توانند افراد را به سمت درگیر شدن در اقتصاد غیرقانونی مواد مخدر سوق دهند (یون^۱ و همکاران، ۲۰۱۸).

برای یک کشور در معرض تهدید مضاعف مانند ایران، شدت این ارتباط میان توسعه‌نیافتگی و حجم قاچاق مواد مخدر باید به صورت علمی سنجیده شود. در این راستا، میزان مواد مخدر کشف‌شده در یک بازه زمانی طولانی، نه تنها نشان‌دهنده عملکرد و تلاش نهادهای مبارزه با مواد مخدر است، بلکه به عنوان یک متغیر جایگزین معتبر برای سطح عرضه و فعالیت قاچاق در کشور محسوب می‌شود. با وجود حجم گسترده‌ای از تحقیقات، بخش عمده آن‌ها بر تحلیل‌های مقطعی تمرکز دارند و جنبه‌های زمانی و تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی-اجتماعی بر پویایی‌های قاچاق مواد مخدر در درازمدت را کمتر بررسی کرده‌اند. به منظور پر کردن این خلأ، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با عبور از تحلیل‌های مقطعی، به بررسی رابطه شاخص‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و میزان مواد مخدر کشف شده در ایران در دوره ۱۴۰۲-۱۳۷۰ بپردازد.

پیشینه پژوهش

صداقت و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای داخلی به بررسی رابطه شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی با نرخ مرگ و میر ناشی از مصرف مواد مخدر در ایران طی دوره بلندمدت ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۹ در اینجا پرداختند. این محققان برای تحلیل روابط بین این متغیرهای کلان در گذر زمان، از الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی استفاده کردند. یافته‌های کلیدی این پژوهش نشان داده است، در افق بلندمدت، تولید ناخالص داخلی و سطح باسوادی جامعه رابطه‌ای مثبت و

معنادار با افزایش نرخ مرگ و میر داشتند. در مقابل، متغیرهایی نظیر جمعیت شهری و نرخ بیکاری رابطه‌ای منفی و معنادار را با نرخ مرگ و میر نشان دادند. مختاری و جعفری مهر (۱۴۰۲) در مقاله خود به مقایسه ساز و کار سوء مصرف مواد مخدر و سیاستگذاری‌های مرتبط با آن در ایران و دیگر کشورهای جهان، پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد، مصرف مواد در ایران و جهان رو به افزایش است و روند آن غلبه روانگردانها بر مواد با منشأ طبیعی است. از طرفی دیگر سیاستگذاری‌ها بدون توجه به زیر ساختهای اقتصادی و سیاسی جامعه، صرفاً هزینه مبارزه با اعتیاد را افزایش داده است. قدیرزاده و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی توصیفی، فراوانی تلفات ناشی از استفاده غیرمجاز از مواد مخدر و محرک را در موارد ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان کهگیلویه و بویراحمد در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج این بررسی نشان داد که فوت‌شدگان اغلب افراد کم‌درآمد، فاقد شغل، با تحصیلات اندک و در گروه سنی جوانان بوده‌اند. همچنین، مصرف رایج در میان این متوفیان شامل متادون و ترامادول بوده است. شهبازی و همکاران (۱۳۹۷) در یک مطالعه توصیفی-مقطعی، اپیدمیولوژی تلفات ناشی از استفاده غیرمجاز از مواد مخدر در اجساد ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی کشور در سال ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش، داده‌های جمعیت‌شناختی و شیوع‌شناختی مربوط به ۲۹۵۷ مورد فوت را استخراج کرد. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که بیشترین میزان مرگ‌ومیر در میان مردان، افراد مجرد، و کسانی با درآمد و سطح تحصیلات پایین رخ داده است. تریاک، شیشه و هروئین به ترتیب شایع‌ترین مواد مورد سوءمصرف در این

موارد بودند و استان‌های همدان، لرستان و زنجان بالاترین آمار مرگ‌ومیر ناشی از مواد را به خود اختصاص داده بودند. لشگری و همکاران در سال ۱۳۹۵ به تحلیل تأثیر عوامل اقتصادی کلان، مانند بیکاری و تورم، بر وقوع مجدد جرائم مرتبط با مواد مخدر در ایران پرداختند. این تحقیق که یک دوره زمانی طولانی (از ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۵) را پوشش می‌داد، با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی انجام شد و ارتباطی مثبت و معنادار میان افزایش نرخ بیکاری و نرخ تورم با تکرار جرائم مواد مخدر را به اثبات رساند. نتیجه‌گیری مهم این پژوهش آن بود که این دو شاخص اقتصادی (تورم و بیکاری)، تقریباً ۸۵ درصد از نوسانات تکرار جرائم اقتصادی را تفسیر می‌کنند. این یافته‌ها به‌طور قاطع، این فرضیه را تقویت می‌کند که تنزل وضعیت اقتصادی (از جمله تورم و بیکاری) با گسترش فعالیت‌های مجرمانه (نظیر عرضه و قاچاق مواد) همبستگی دارد.

تحلیل الگوهای جغرافیایی در اپیدمی مصرف مواد مخدر نشان داده است که مناطق با ناامنی اقتصادی بالاتر، شامل فقر، بیکاری و ارزش پایین مسکن، با افزایش چشمگیر و معنادار مراجعات بیمارستانی به دلیل سوء مصرف مواد مخدر و مرگ‌ومیر ناشی از مصرف بیش از حد مواد همراه بوده‌اند (شوئنفلد^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). مونات^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی نشان داده که تغییرات ساختاری در اقتصاد و ناامیدی از وضعیت اقتصادی، عوامل مؤثری در افزایش تقاضا برای مواد مخدر صنعتی هستند. ناگل هات^۳ و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان کساد اقتصادی و بیکاری چگونه مواد مخدر را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟ با استفاده از مرور نظام‌مند ادبیات تجربی و ترکیب نتایج ۲۸ مطالعه منتشر شده بین

سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵، نشان داده‌اند که کساد و بیکاری، با تشدید پریشانی‌های عصبی- روان‌شناختی، به افزایش استفاده از دارو و مواد مخدر منجر می‌شود. کارپتر^۴ و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با عنوان «شرایط اقتصادی، استرس و اختلالات مصرف مواد» دریافتند که در دوره ۲۰۰۲-۲۰۱۵ در ایالات متحده، رکود اقتصادی منجر به افزایش شدید مصرف داروهای مسکن و مراجعه به کلینیک‌های اختلالات مصرف مواد (مانند تریاک) شده است. این اثرات را در میان مردان جوان با تحصیلات پایین، بیشتر مشاهده کرده‌اند. لذا، محققان پیشنهاد می‌کنند که سیاست‌گذاران در دوران رکود اقتصادی، منابع بیشتری را به رفع اختلالات مصرف مواد اختصاص دهند. اوریگر^۵ و همکاران (۲۰۱۴) در یک مطالعه به تحلیل تأثیر نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بر مصرف بیش از حد کوکائین و سایر مواد مخدر در کشور لوکزامبورگ پرداختند. یافته‌های حاصل از این پژوهش مؤید آن بود که تفاوت‌های موجود در سطح اقتصادی- اجتماعی در میان مصرف‌کنندگان مواد مخدر، با احتمال وقوع اوردوزهای^۶ مرگبار مرتبط است. به عبارت دیگر، مشاهده شد که افرادی که از مواد مخدر غیرقانونی استفاده می‌کردند و دارای پروفایل‌های اقتصادی- اجتماعی ضعیف‌تری بودند، در مقایسه با سایر مصرف‌کنندگان، شانس بیشتری برای فوت داشتند. یک نکته کلیدی در نتایج این تحقیق این بود که ویژگی‌های فردی مصرف‌کننده از نظر اجتماعی- اقتصادی، مانند سطح پیشرفت تحصیلی و وضعیت شغلی، در پیش‌بینی مرگ و میر ناشی از دوزهای بالا، قدرت تبیین بیشتری نسبت به وضعیت اجتماعی- اقتصادی والدین فرد از خود نشان داد. گالیا^۷ و همکاران (۲۰۰۳) با انجام یک

5 . Origer

6 . Overdoses

7 . Galea

1 . Schoenfeld

2 . Monnat

3 . Nagelhout

4 . Carpenter

چارچوب نظری

پدیده مصرف مواد مخدر و به تبع آن، کشفیات و مبارزه با قاچاق آن، در درجه اول و به صورت بنیادین، یک آسیب اجتماعی کلان محسوب می‌شود که سلامت، امنیت و ساختار جوامع را در سطوح مختلف به چالش می‌کشد. بر این مبنا، تحلیل و تبیین این پدیده پیچیده مستلزم به‌کارگیری یک رویکرد چندرشته‌ای است که ابعاد و زوایای گوناگون انسانی و اجتماعی آن را مد نظر قرار دهد (فرانزس^۱، ۲۰۱۵). از منظر جامعه‌شناسی، مسئله مواد مخدر فراتر از یک انتخاب فردی دیده می‌شود و ریشه در ساختارهای کلان اجتماعی دارد. در این دیدگاه، می‌توان مصرف و قاچاق مواد را از طریق تمرکز بر عوامل زیر تحلیل و توضیح داد: ساختارهای نابرابر و محرومیت اجتماعی: فقر، بیکاری، توزیع ناعادلانه منابع و کاهش سرمایه اجتماعی، بسترهای مناسبی برای پناه بردن افراد به مصرف مواد جهت تسکین آلام و فرار از واقعیت‌های دشوار فراهم می‌آورد (گیدنز، ۱۳۹۲؛ ستوده، ۱۳۹۵). آنومی (بی‌هنجاری): از هم گسیختگی ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در جوامع مدرن یا در حال گذار می‌تواند منجر به کاهش نظارت اجتماعی و تسهیل دسترسی به مواد مخدر شود (گیدنز، ۱۳۹۲). پیامدهای اجتماعی کشفیات: کشفیات گسترده مواد مخدر اگرچه نشانه مبارزه است، اما نشان‌دهنده ابعاد گسترده بازار سیاه و نفوذ شبکه‌های قاچاق در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی نیز هست که خود نیازمند تحلیل عمیق جامعه‌شناختی است. روان‌شناسی هسته اصلی گرایش فرد به مصرف و تبدیل آن به اعتیاد را مورد بررسی قرار می‌دهد. این منظر بر تفاوت‌های فردی، عوامل روانی، و مکانیسم‌های وابستگی تمرکز دارد: عوامل فردی و آسیب‌پذیری روانی: وجود اختلالات روانی زمینه‌ای (مانند افسردگی و اضطراب)،

تحقیق در شهر نیویورک، تأثیر توزیع درآمد در سطح محله را بر احتمال وقوع مرگ و میر ناشی از مصرف بیش از حد مواد مخدر مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که خطر مرگ و میر در اثر آوردوز در محله‌هایی که نابرابری درآمدی بالاتری داشتند، به شکل معناداری بیشتر بود. در تحلیل‌های پیچیده چندسطحی، توزیع ناعادلانه درآمد حتی پس از کنترل کردن متغیرهای سطح فردی (مانند نژاد، سن و جنسیت) و متغیرهای سطح محله (شامل میزان مصرف مواد و ترکیب نژادی)، همچنان به طور مستقل و معنی‌دار با افزایش خطر آوردوزهای کشنده مرتبط باقی ماند.

با توجه به مطالعات پیشین، ادبیات موجود سه نکته اصلی را تأیید می‌کند: (۱) شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی با جرم رابطه دارند. (۲) نوع جرم در تعیین شدت و جهت رابطه بسیار مهم است. (۳) اثر متغیرها ممکن است در کوتاه‌مدت و بلندمدت متفاوت باشد. با این حال، چند خلأ مهم نیز مشاهده می‌شود: الف) اغلب پژوهش‌ها بر جرایم خشونت‌آمیز تمرکز دارند و نه مواد مخدر. ب) بسیاری از مطالعات فقط یک یا دو شاخص اقتصادی و اجتماعی را بررسی کرده‌اند، در حالی که پژوهش حاضر مجموعه‌ای از شاخص‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی را در نظر می‌گیرد. ج) برخی پژوهش‌ها از نظر زمانی محدودند و دوره‌های جدیدتر را پوشش نمی‌دهند. مطالعات موجود کمتر به صورت متمرکز بر کشفیات مواد مخدر در ایران و در یک بازه بلندمدت ۱۳۷۰-۱۴۰۲ پرداخته‌اند. د) تحلیل‌های موجود عمدتاً یا استانی‌اند یا موضوعات دیگر جرم را بررسی کرده‌اند، بنابراین هنوز یک بررسی جامع و به‌روز در سطح ملی درباره کشفیات مواد مخدر و توسعه اقتصادی - اجتماعی در ایران وجود ندارد.

کمبود عزت نفس، ناتوانی در مدیریت استرس، و تجارب تروماتیک^۱ در دوران کودکی، فرد را در معرض خطر بالای اعتیاد قرار می‌دهد. نقش الگوبرداری و یادگیری اجتماعی: تأثیر خانواده، گروه همسالان و محیط اجتماعی فرد در شکل‌گیری نگرش نسبت به مواد و نحوه استفاده از آن حیاتی است (بکر^۲ و همکاران، ۱۹۶۸). مکانیسم‌های وابستگی: تحلیل روان‌شناختی به درک این نکته کمک می‌کند که چگونه مصرف مواد، از یک تجربه تفنی به یک اجبار روانی تبدیل می‌شود و بر سیستم پاداش مغز تأثیر می‌گذارد. زیست‌شناسی و نوروساینس^۳ با فراهم آوردن درکی عمیق از اثرات فیزیولوژیک مواد بر بدن و مغز، به تکمیل پازل اعتیاد می‌پردازند. این تبیین‌ها ماهیت «بیماری‌گونه» اعتیاد را تقویت می‌کنند: تغییرات نوروشیمیایی^۴: مواد مخدر مستقیماً بر سیستم عصبی مرکزی، به‌ویژه مسیرهای دوپامینرژیک^۵ (سیستم پاداش) تأثیر می‌گذارند و باعث ایجاد تحمل و وابستگی جسمانی می‌شوند. جبران‌سازی و هومئوستاز^۶: مصرف مکرر، ساختار و عملکرد مغز را به گونه‌ای تغییر می‌دهد که فرد برای عملکرد طبیعی بدن، به مصرف مجدد ماده نیاز پیدا می‌کند. عوامل ژنتیکی: تحقیقات نشان داده‌اند که برخی افراد به لحاظ ژنتیکی مستعدتر به ابتلا به اعتیاد هستند، که این امر بر اهمیت تحلیل زیست‌شناختی در کنار عوامل محیطی تأکید دارد (صداقت و همکاران ۱۴۰۲).

در حوزه جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌های اجتماعی، مجموعه‌ای از رویکردهای نظری، تبیین پدیده‌های کج‌روی را نه در سطح کنش‌های فردی^۷ بلکه در تحلیل ساختارهای کلان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه جستجو می‌کنند (احمدی، ۲۰۲۲؛ احمدی، ۱۴۰۱) که در قالب چهار رویکرد

به شرح ذیل، تشریح می‌شوند. رویکرد شماره یک در تبیین ریشه‌های آسیب‌های اجتماعی، بر محوریت ارتقاء شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی تأکید می‌ورزد. این دیدگاه معتقد است که بهبود مستمر وضعیت اقتصادی و سطح رفاه اجتماعی، به طور مستقیم منجر به تقلیل نرخ و شدت آسیب‌های اجتماعی می‌گردد. این دگرگونی مثبت، عمده‌تاً نتیجه یک زنجیره از اثرات روانی مثبت است که در پی بهبود این متغیرهای کلان حاصل می‌شود. در سطوح فردی، دسترسی به منابع مالی پایدار، مسکن مناسب و فرصت‌های شغلی باکیفیت، می‌تواند به شکل چشمگیری از عوامل ایجادکننده اختلالات روانی بکاهد. به عبارت دقیق‌تر، این شرایط منجر به کاهش میزان افسردگی، اضطراب، و سایر اختلالات ذهنی می‌شود که خود بستر ساز بسیاری از رفتارهای پرخطر و آسیب‌زا هستند (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۲۴). پژوهش‌های متعددی، از جمله مطالعات انجام‌شده در پی بحران‌های اقتصادی، نشان داده‌اند که رکود اقتصادی و افزایش بیکاری رابطه مستقیمی با افزایش مشکلات سلامت روان و در نتیجه، افزایش رفتارهای آسیب‌رسان (مانند خودکشی) دارد (گانل^۸، و همکاران ۲۰۰۹). همچنین، بهبود وضعیت اقتصادی به صورت همزمان منجر به تقویت منزلت اجتماعی، عزت نفس و کیفیت تعاملات اجتماعی افراد می‌گردد. دسترسی بیشتر به منابع، توانایی مشارکت فعال‌تر در جامعه و کسب جایگاه شغلی بهتر، موجب می‌شود فرد از حیث روانی احساس ارزشمندی بیشتری کند و شبکه حمایتی اجتماعی قوی‌تری برای خود ایجاد نماید. این تقویت چندوجهی، لایه‌ای از تاب‌آوری در برابر استرس‌ها و فشارهای زندگی ایجاد کرده و از این طریق، نرخ آسیب‌های

5 . Dopaminergic

6 . Homeostasis

7 . Micro-level

8 . Gunnell

1 . Traumatic experiences

2 . Becker

3 . Neuroscience

4 . Neurochemical

گمنامی و ناشناختگی افراد محیطی را می‌سازند که در نهایت، زمینه‌ساز افزایش قابل توجه مشکلات و انحرافات اجتماعی می‌شود (ملیک^۳، ۲۰۱۶). این پدیده به‌خصوص در مورد مهاجرت روستاییان به نواحی حاشیه‌ای شهری که غالباً به دنبال خود گسترش ناهنجاری‌ها را به همراه دارد، مشهود است (توسلی، ۱۳۹۳). علاوه بر این، مطالعات تطبیقی بین‌المللی نیز شاهی بر این مدعا هستند و افزایش چشمگیر نرخ آسیب‌های اجتماعی را در کشورهایی که مرحله صنعتی شدن را تجربه می‌کنند تأیید می‌کنند. این روند صعودی عمدتاً نتیجه ایجاد اختلال جدی در الگوهای سنتی جامعه، دگرگونی‌های شتابان اجتماعی و گذار ساختاری از اقتصاد کشاورزی به نظام‌های صنعتی و خدماتی است (لافری و دراس^۴، ۲۰۰۲). ۲. پتانسیل ساختاری درونی برای ناهنجاری (مفاهیم تنش و فشار): تحول و گذار در ساختار اجتماعی جوامع، به خودی خود، حاوی پتانسیلی عظیم برای ایجاد، بازتولید و تشدید ناهنجاری‌های اجتماعی است. این ایده، پایه و اساس نظریه‌های مهمی در جامعه‌شناسی کجروی را تشکیل می‌دهد که مستقیماً این ارتباط را منعکس می‌کنند. مفاهیمی چون: آنومی (دورکیم^۵، ۱۹۵۲؛ مرتن^۶، ۱۹۵۷)، تنش (اندرسن و تیلور^۷، ۲۰۱۲)، درهم شکستن (تیلور^۸، ۱۹۹۲) و فشار (ساکس^۹، ۱۹۹۲؛ لافری و دراس^{۱۰}، ۲۰۰۲) مفاهیمی وجود دارند که به طور مستقیم این موضوع را منعکس می‌کنند. ۳. دگرگونی نظام ارزشی و تفاوت جهان‌بینی‌ها: سومین مکانیسم کلیدی، تحول عمیق در نظام ارزش‌های حاکم بر جامعه است. این دگرگونی ارزشی یک نیروی محرک و شتاب‌دهنده برای ظهور آسیب‌های اجتماعی جدید محسوب می‌شود.

اجتماعی مانند جرم و جنایت، سوء مصرف مواد و خشونت را به نحو مؤثر و پایداری کاهش می‌دهد (گانل و همکاران، ۲۰۰۹). در این زمینه، پژوهش‌هایی بر روی موضوع مواد مخدر انجام شده‌اند. در این مطالعات اغلب مشاهده شده است که عوامل محیطی-اجتماعی (مانند ساختارهای اجتماعی و توسعه‌نیافتگی) در مقایسه با عوامل صرفاً انتظامی، اندازه اثر بزرگتری بر قاچاق و در نتیجه بر کشفیات دارند. این یافته بر اهمیت رسیدگی به ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی مشکل تأکید می‌کند (سیفی و همکاران، ۱۴۰۰، نگلهوت^۱ و هکاران، ۲۰۱۷). بر اساس دیدگاه دوم، از منظر یک دیدگاه کلیدی در جامعه‌شناسی انحرافات، پیشرفت و ارتقاء شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، نه تنها تسکین‌دهنده نیست، بلکه خود به عاملی برای تشدید معضلات و آسیب‌های اجتماعی بدل می‌شود. این رابطه به ظاهر متناقض، یعنی پیوند مثبت میان بهبود سطح توسعه و صعود نرخ‌های انحرافات اجتماعی، ریشه در یک منطق نظری چندوجهی دارد که در ادامه به سه محور اصلی آن می‌پردازیم: ۱. دگرگونی ساختاری و بحران‌های زیست شهری (شهرنشینی افسارگسیخته): فرایند صنعتی شدن، با وجود تمام دستاوردها و مزایای اقتصادی غیرقابل انکارش، ناگزیر بستر لازم را برای ظهور و گسترش آسیب‌های جدید فراهم می‌کند. یکی از بارزترین پیامدهای آن، جابه‌جایی‌های گسترده جمعیتی و توسعه شتابان و افسارگسیخته شهرنشینی است. حیات شهری، به دلیل ویژگی‌های ذاتی و خاص خود، مولد انحرافات اجتماعی است. عواملی نظیر: ناهمگنی و تنوع فرهنگی گسترده، تراکم بالای جمعیت و وسعت فیزیکی،

6 . Merton

7 . Anderson & Taylor

8 . Taylor

9 . Sachs

10 . LaFree & Drass

1 . Nagelhout

2 . Urban environmental crises

3 . Melik

4 . LaFree & Drass

5 . Durkheim

اینکلهارت و ولزل^۱ (۱۳۹۱) تأکید می‌کنند که توسعه اقتصادی و اجتماعی با مجموعه‌ای از نگرش‌های ارزشی متمایز گره خورده است که به تدریج دگرگونی‌های ساختارمندی را در جهان‌بینی افراد جامعه رقم می‌زند. این دگرگونی ارزشی، با تضعیف کنترل‌های سنتی (مانند خانواده) و تقویت فردگرایی، سهم مهمی در تسهیل انحرافات اجتماعی ایفا می‌کند. طبق رویکرد سوم، که یک دیدگاه چالش‌برانگیز در جامعه‌شناسی انحرافات و توسعه است که بر خلاف انتظار رایج، یک رابطه معکوس میان کاهش شاخص‌های کلان اقتصادی- اجتماعی و کاهش متقابل آسیب‌های اجتماعی (مانند جرم، خودکشی و...) را تبیین می‌کند. این مکانیسم نظری بر دو ستون اصلی استوار است: اسناد علی و حمایت‌های اجتماعی دولت. محور اصلی این رویکرد، که توسط هنری و شورت^۲ (۱۹۵۴) تبیین شده، به نحوه تبیین و تفسیر افراد از وضعیت موجود و ناکامی‌های شخصی‌شان بازمی‌گردد. اگر در دوران رکود یا کاهش توسعه، افراد مشکلات و بدبختی خود را به شرایط کلان اقتصادی، نحوه عملکرد دولت، یا نیروهای ساختاری بزرگ نسبت دهند، این امر باعث می‌شود که فشار روانی و احساس سرزنش از فرد برداشته شود و به ساختار اجتماعی منتقل گردد. این اجماع بر سر «قربانی شدن» توسط یک نیروی بیرونی، باعث کاهش احساس گناه، تنهایی و انزوای اجتماعی می‌شود. در نتیجه، نرخ آسیب‌هایی که ریشه در انزوای فردی یا فشار روانی دارند (مانند خودکشی یا جرایم ناشی از یأس و سرخوردگی فردی)، می‌تواند کاهش یابد (هنری و شورت، ۱۹۵۴). توضیحات استاکلر^۳ و همکاران (۲۰۰۹) بر اثرات مداخله‌ای دولت‌ها در شرایط بحران تأکید دارد. در شرایط کاهش شاخص‌های اقتصادی، دولت‌ها اغلب برنامه‌های حمایت اجتماعی (مانند بیمه بیکاری، کمک‌های

مالی مستقیم، یا خدمات درمانی یارانه‌ای) را تقویت می‌کنند. این حمایت‌ها به عنوان یک شبکه ایمنی عمل کرده و اثرات تخریبی رکود را بر اقشار آسیب‌پذیر تعدیل می‌کنند (استاکلر و همکاران، ۲۰۰۹). کاهش عدم اطمینان اقتصادی از طریق این حمایت‌ها، به‌طور مستقیم سطح استرس، فقر شدید و ناامیدی را کاهش می‌دهد و در نتیجه، از افزایش آسیب‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند. کاهش نرخ آسیب در این شرایط نه تنها به‌خاطر پول نقد، بلکه می‌تواند ناشی از افزایش دسترسی به خدمات سلامت عمومی و مشاوره باشد که در دوران رکود برای تسکین فشار روانی جامعه ارائه می‌شود. رویکرد چهارم دیدگاه رایج‌تر و کلاسیک‌تری را مطرح می‌کند که بر رابطه مستقیم میان وضعیت اقتصادی- اجتماعی کلان و نرخ آسیب‌های اجتماعی تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه، زمانی که شاخص‌های توسعه (مانند تولید ناخالص داخلی، اشتغال، و خدمات رفاهی) سیر نزولی پیدا می‌کنند، آسیب‌های اجتماعی (مانند خودکشی، خشونت، و اعتیاد) شدت می‌گیرند. خاستگاه اصلی مکانیسم نظری این رویکرد، نظریه کلاسیک آنومی دورکیم است. دورکیم معتقد بود که جامعه در حالت سلامت، دارای هنجارها و ساختار منسجمی است که انتظارات افراد را با توانایی‌ها و منابع موجود هماهنگ می‌کند. تنزل سریع شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی، به ویژه در قالب بحران‌های اقتصادی یا رکود ناگهانی، باعث ایجاد وضعیت آنومی می‌شود (فرانزس^۴، ۲۰۱۵). تنزل جایگاه اجتماعی و انتظارات: در شرایط آنومی، جایگاه اجتماعی فرد (منزلت) متزلزل می‌شود؛ افراد ممکن است شغل خود را از دست دهند یا درآمدشان به شدت کاهش یابد. این امر باعث می‌شود که انتظارات و آرزوهای آن‌ها با ظرفیت‌ها و توانایی‌های جدیدشان (که محدود شده‌اند)

افزایش آن‌ها (رویکرد چهارم). برای درک دقیق ماهیت این رابطه، تحلیل و ارزیابی شرایط مختص به هر کشور یک ضرورت انکارناپذیر است.

با توجه به مباحث نظری مطرح شده، سئوالات پژوهش به شرح ذیل می‌باشند.

آیا بین جمعیت شهری و میزان مواد مخدر کشف شده در ایران در دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۲ رابطه معناداری وجود دارد؟

آیا بین بیکاری و میزان مواد مخدر کشف شده در ایران در دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۲ رابطه معناداری وجود دارد؟

آیا بین مشارکت نیروی کار و میزان مواد مخدر کشف شده در ایران در دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۲ رابطه معناداری وجود دارد؟

آیا بین مشارکت نیروی کار زنان و میزان مواد مخدر کشف شده در ایران در دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۲ رابطه معناداری وجود دارد؟

آیا بین باسوادی و میزان مواد مخدر کشف شده در ایران در دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۲ رابطه معناداری وجود دارد؟

آیا بین سرانه تولید ناخالص و میزان مواد مخدر کشف شده در ایران در دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۲ رابطه معناداری وجود دارد؟

آیا بین نرخ تورم و میزان مواد مخدر کشف شده در ایران در دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۲ رابطه معناداری وجود دارد؟

روش پژوهش

پژوهش کنونی از یک روش‌شناسی کمی و درازمدت بهره می‌برد. در این راستا، روش تحلیلی مورد استفاده، مبتنی بر بررسی داده‌های سری‌های زمانی است. شایان ذکر است که سری زمانی عبارت است از مجموعه‌ای از اطلاعات آماری که به صورت متوالی و در بازه‌های زمانی مشخص و برابر ثبت گردیده‌اند (صدقت و همکاران، ۱۴۰۴). به منظور ارزیابی

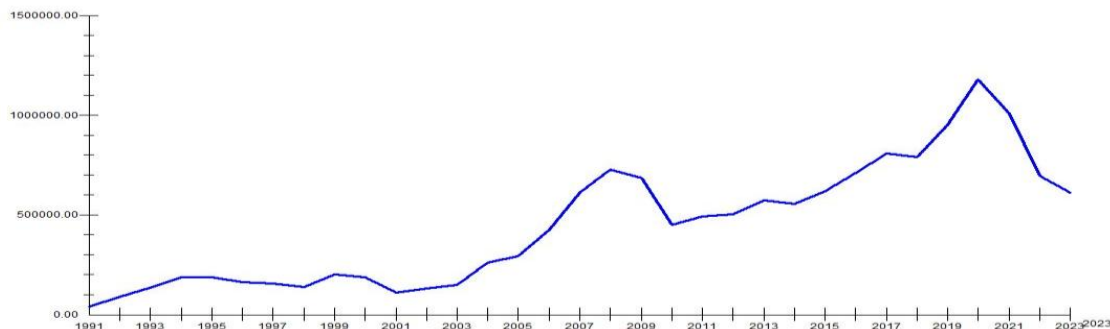
ناسازگار شوند (میلنر^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). فقدان تنظیم هنجاری: در غیاب تنظیم هنجاری مؤثر، افراد دیگر نمی‌دانند که چه چیزی معقول است یا چه انتظاراتی را باید از زندگی داشته باشند. این سردرگمی و عدم هماهنگی میان آرزوها و واقعیت، منجر به ناکامی، یأس، استرس شدید و در نهایت افزایش رفتارهای انحرافی و آسیب‌زا می‌شود (فرانزس، ۲۰۱۵). افت شاخص‌های توسعه به صورت مستقیم و غیرمستقیم، از طریق عوامل واسطه‌ای کلیدی، ریسک آسیب‌های اجتماعی را تشدید می‌کند: بیکاری به عنوان یکی از مستقیم‌ترین نتایج رکود اقتصادی، نه تنها منجر به فقر مالی می‌شود، بلکه به از دست دادن هویت اجتماعی، شبکه حمایتی محیط کار و ساختار روزمره فرد می‌انجامد (پلات^۲، ۱۹۸۴). این فروپاشی ساختارهای اجتماعی و شخصی، زمینه را برای افسردگی، اعتیاد و خودکشی فراهم می‌کند. استرس و فشار روانی: شرایط رکود باعث افزایش شدید استرس روانی در سطح جامعه می‌شود (استاک^۳، ۱۹۸۱). نگرانی مداوم در مورد تأمین نیازهای اولیه، آینده شغلی، و بدهی‌ها، فشار روانی را به سطح غیرقابل تحملی رسانده که اغلب با افزایش سوءمصرف مواد، خشونت‌های خانگی و مشکلات سلامت روان ارتباط دارد. همان‌گونه که من و متس^۴، (۲۰۱۷) تصریح کرده‌اند، تفاوت در نتایج مطالعات (رویکردهای سوم و چهارم) حاکی از آن است که ارتباط میان معیارهای توسعه و آسیب‌های اجتماعی بر اساس بافت و شرایط هر کشور متغیر است. تفاوت‌های ساختاری: عواملی مانند قدرت شبکه‌های حمایتی سنتی (خانواده و اجتماع)، اندازه شبکه‌های ایمنی اجتماعی دولتی (مانند بیمه بیکاری)، و فرهنگ اسناد علی (فردگرایی یا جمع‌گرایی) تعیین می‌کنند که آیا تأثیر رکود منجر به کاهش آسیب‌ها (رویکرد سوم) خواهد شد یا

متغیر وابسته در این تحقیق، از شاخص آماری میزان مواد مخدر کشف شده استفاده شده است. در طرف دیگر، شاخص توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی با استفاده از طیفی از معیارهای کلیدی سنجیده می‌شود. این معیارها عبارتند از: متغیر سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی، میزان جمعیت ساکن در شهرها، نرخ سوادآموزی، آمار بیکاری، و همچنین نسبت مشارکت در بازار کار (با تفکیک کلی و سهم زنان). همچنین، مفهوم تورم، نشانگر بالا رفتن سطح کلی و عمومی قیمت‌ها در یک بازه‌ی زمانی مشخص است (احمدی و غلامی‌آبیز، ۱۳۸۳). تولید ناخالص داخلی عبارت است از ارزش مجموع تمام کالاها و خدمات نهایی که در طی یک دوره‌ی زمانی مشخص (که معمولاً دوازده ماه است) و منحصرأ در داخل مرزهای یک کشور تولید شده‌اند (اکبری و احمدی، ۱۳۹۱). شهرنشینی به فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن شاهد افزایش و تراکم جمعیت در نواحی شهری هستیم؛ این تمرکز جمعیت در مقایسه با شمار ساکنان مناطق روستایی سنجیده می‌شود. بیکاری به معنای نسبت افرادی است که شغل ندارند اما به طور جدی و فعالانه در پی یافتن کار هستند، به کل نیروی کار کشور؛ این شاخص به شکل درصد گزارش می‌شود (احمدی و غلامی‌آبیز، ۱۳۸۳: ۹۴). درصد افرادی که دارای مهارت‌های اساسی خواندن، نگارش جملات ساده و توانایی روخوانی متون (برای مثال قرآن) هستند، به عنوان شاخص باسوادی در نظر گرفته می‌شود (بیاتی، ۱۳۸۹: ۹). نرخ مشارکت نیروی کار با تقسیم کل نیروی کار بر مجموع جمعیت در سن کار تعیین می‌گردد. جمعیت در سن کار عموماً شامل افراد ۱۵ تا ۶۴ ساله می‌شود؛ این شاخص به صورت تفکیک‌شده بر اساس گروه‌های سنی و به شکل

درصدی از هر گروه، محاسبه و سنجیده می‌شود (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۴۰۰). این پژوهش در مقیاس کلان و با هدف تحلیل متغیرها در سطح کلان انجام پذیرفته است. داده‌های لازم از طریق سالنامه‌های منتشرشده توسط مرکز آمار ایران، سازمان پزشکی قانونی، سازمان مواد مخدر، بانک جهانی و سایر مراجع آماری نظیر سازمان برنامه و بودجه کشور گردآوری شده‌اند. برای توصیف مجموعه داده‌ها، از منحنی‌های سری زمانی استفاده شده است. علاوه بر این، جهت ارزیابی ارتباطات کوتاه‌مدت و بلندمدت میان متغیرها، الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی در محیط نرم‌افزاری مایکروفت پیاده‌سازی شده است.

یافته‌ها

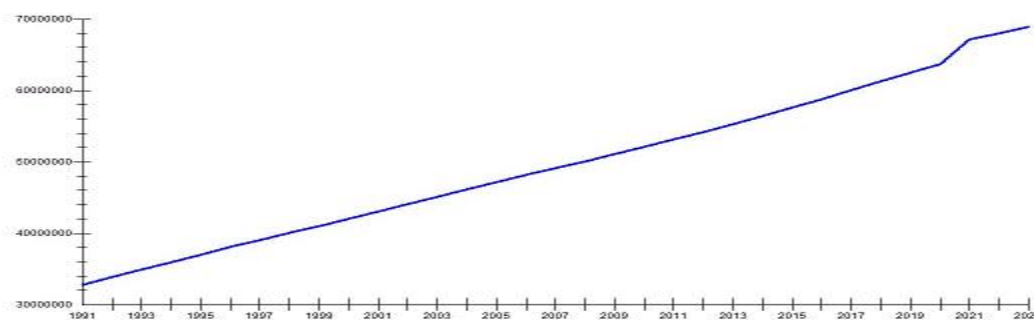
براساس نمودار ۱، در دهه ۱۳۷۰ یک روند صعودی آرام در میزان کشفیات وجود دارد. در دهه ۱۳۸۰ همزمان با افزایش کشت خشک‌خاش در افغانستان پس از سقوط طالبان در ۲۰۰۱ و تغییر الگوهای مصرف جهانی، احتمالاً با افزایش قابل توجهی در حجم کل کشفیات همراه بوده است. آغاز پدیدار شدن و افزایش کشفیات مواد روانگردان صنعتی مانند شیشه (مت‌آمفتامین) در اواخر این دهه، یک نقطه عطف در نمودار ایجاد کرده است. در اواخر دهه ۱۳۸۰ و اوایل دهه ۱۳۹۰ ایران به بیشترین میزان کشفیات سالانه رسیده است. این افزایش، نشان‌دهنده حجم بالای ترانزیت مواد مخدر از مسیر ایران و تلاش نیروی انتظامی در مقابله با آن بوده است. در اواخر دهه ۱۳۹۰ تا سال ۱۴۰۲ با وجود همه تلاش‌ها، میزان کل کشفیات همچنان در سطح بالایی نسبت به دهه ۱۳۷۰ باقی مانده است.



نمودار ۱. میزان مواد مخدر کشف شده در ایران در دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۲

تعداد ساکنان شهری کشور تقریباً دو برابر شده است. به طور خلاصه، این نمودار به وضوح نشان می‌دهد که ایران در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۲، شاهد یک دگرگونی عظیم جمعیتی بوده که با گسترش مداوم و چشمگیر سهم جمعیت شهری همراه گشته است.

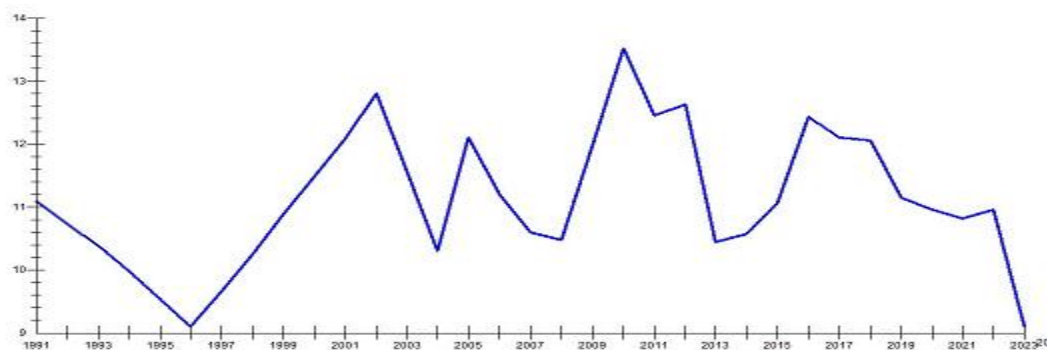
نمودار ۲، بیانگر جمعیت شهری در ایران در دوره مورد بررسی است. در آغاز دوره، یعنی در سال ۱۳۷۲، جمعیت ساکن در مناطق شهری حدود ۳۳ تا ۳۴ میلیون نفر ثبت شده است. این در حالی است که در پایان دوره یعنی ۱۴۰۲، جمعیت شهری ایران به رقمی بالغ بر ۶۷ تا ۶۸ میلیون نفر افزایش یافته است. به بیان دیگر، طی یک دوره ۳۲ ساله،



نمودار ۲: جمعیت شهری در ایران در دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۲

سال ۱۳۸۹، نرخ بیکاری به ۱۳/۶ درصد، افزایش می‌یابد. به دنبال ثبت این قله، نرخ بیکاری وارد مسیر کاهشی می‌شود و تا سال ۱۳۹۲ به سطح ۱۰/۵ درصد تقلیل می‌یابد. با این حال، از ۱۳۹۳ مجدداً افزایشی می‌شود. پس از سال ۱۳۹۷، یک سیر نزولی ملایم آغاز می‌شود اما با شیبی ملایم مجدداً افزایشی می‌شود.

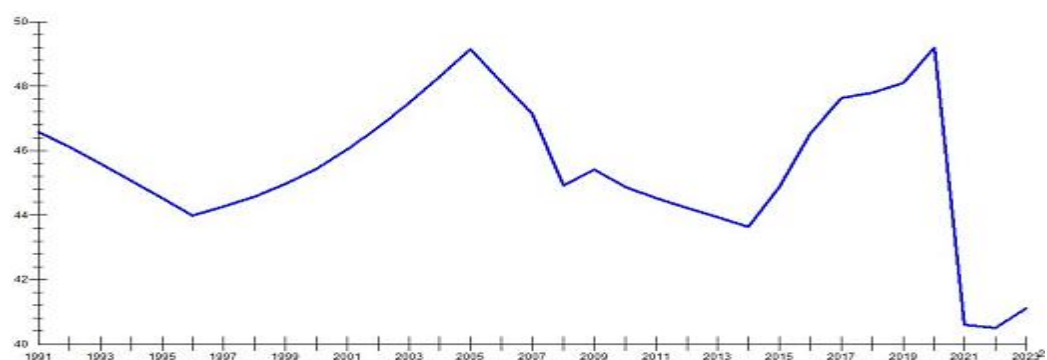
نمودار ۳، بیانگر نرخ بیکاری در ایران در دوره ۱۴۰۲-۱۳۷۰ است. روند، نشان‌دهنده نوسانات شدید با چندین نقطه اوج و فرود است. در سال ۱۳۷۰، این نرخ در حدود ۱۱/۱ درصد قرار داشت. سپس، شاهد کاهش متوالی و مستمر نرخ بیکاری هستیم که به کمترین سطح خود در سال ۱۳۷۵ می‌رسد. از سال ۱۳۷۶، نرخ بیکاری وارد یک مرحله صعودی چشمگیر شده و در سال ۱۳۸۱، به ۱۲/۸ درصد می‌رسد. در



نمودار ۳: نرخ بیکاری در ایران در دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۲

یک مسیر کاهشی ملایم شده و در سال ۱۳۹۴ به ۴۳/۵ درصد تنزل می‌یابد. از سال ۱۳۹۴، نرخ مشارکت روند افزایشی تازه‌ای را در پیش می‌گیرد و تا سال ۱۳۹۹ به حدود ۴۸/۵ درصد افزایش می‌یابد. با این حال، پس از رسیدن به این اوج موقت، نرخ سقوطی ناگهانی و چشمگیر را تجربه کرده و در سال ۱۴۰۰ به ۴۰/۵ درصد می‌رسد. اگرچه در دو سال پایانی نمودار یک بازگشت به شدت ضعیف را نشان داده و نرخ را به حدود ۴۱ درصد می‌رساند، اما این رقم همچنان پایین‌ترین سطح مشارکت در ۳۲ سال اخیر است.

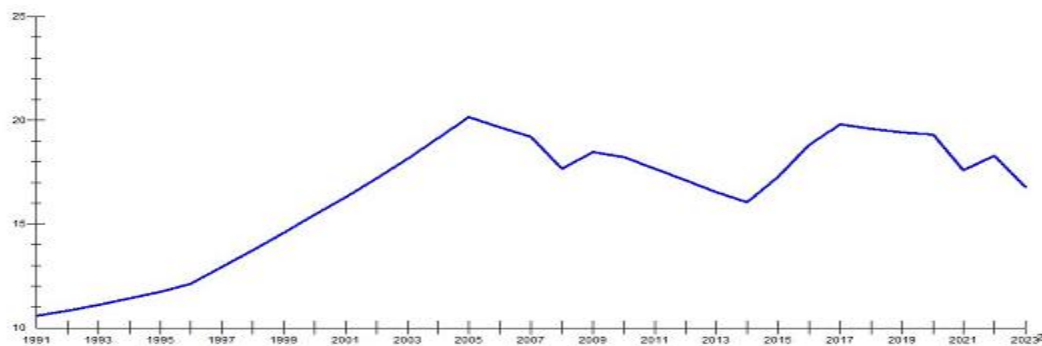
نمودار ۴ که نرخ مشارکت اقتصادی را طی سال‌های مورد بررسی نمایش می‌دهد، حاکی از یک روند نزولی بلندمدت است که با نوسانات قابل ملاحظه همراه بوده است. در سال ۱۳۷۰، نرخ مشارکت در حدود ۴۶/۵ درصد قرار داشت. این نرخ با کمی نوسان به ۴۴ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش می‌یابد. پس از آن، یک رشد نسبتاً قدرتمند آغاز می‌شود و در سال ۱۳۸۵، به بالاترین نقطه خود در کل دوره حدود ۴۹ درصد صعود می‌کند. بلافاصله پس از اوج سال ۱۳۸۵، نرخ مشارکت با افت شدیدی مواجه شده و تا سال ۱۳۸۸ به ۴۵/۵ درصد می‌رسد. به دنبال یک افزایش جزئی، این نرخ مجدداً وارد



نمودار ۴: مشارکت نیروی کار در دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۲

در سال ۱۳۹۳ به محدوده‌ای بین ۱۲/۵ تا ۱۳/۵ درصد بازمی‌گردد. در یک دوره کوتاه‌مدت، نرخ مشارکت زنان صعودی می‌شود با این حال، در سال ۱۴۰۰، یک نزول ناگهانی شکل می‌گیرد و به کمتر از ۱۳ درصد می‌رسد.

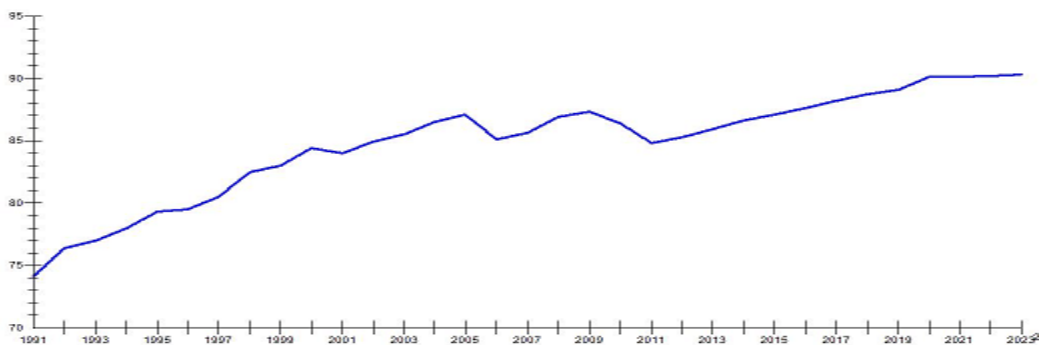
نمودار ۵ وضعیت مشارکت اقتصادی زنان را به تصویر می‌کشد. در ابتدای این دوره، نرخ مشارکت زنان در سال ۱۳۷۰ در حدود ۱۲/۵ درصد بود. در سال ۱۳۸۵ به ۱۶/۵ درصد، صعود می‌کند اما با شیبی تند شروع به کاهش کرده و



نمودار ۵: نرخ مشارکت نیروی کار زنان در دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۲

مثبت و رو به رشد را تجربه کرده است. این الگو نشان‌دهنده بهبود مستمر و چشمگیر در دسترسی به سواد و موفقیت برنامه‌های آموزشی در سطح ملی است که منجر به افزایش درصد جمعیت باسواد در این دوره شده است.

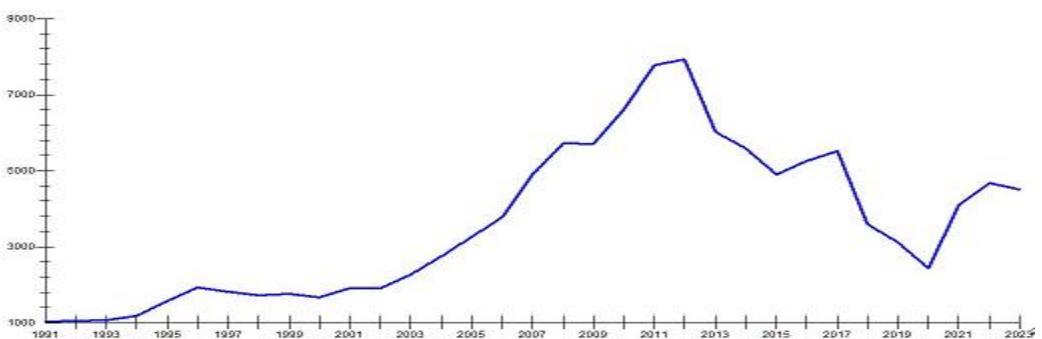
نمودار شماره ۵، که نمایانگر تغییرات نرخ باسوادی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۲ است، به وضوح یک مسیر کلی صعودی و توسعه‌ای را نشان می‌دهد. به طور خلاصه، در این بازه بیش از سه دهه‌ای، نرخ باسوادی در کشور روندی



نمودار ۶: نرخ باسوادی در ایران در دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۲

وارد روندی نزولی شده و در سال ۱۳۹۹ به ۲۴۲۲ دلار تنزل می‌یابد. پس از آن، با یک صعود محدود به نزدیکی ۴۵۰۰ دلار می‌رسد که نشان‌دهنده بازیابی نسبی و جزئی در عملکرد اقتصادی و سطح درآمد سرانه است.

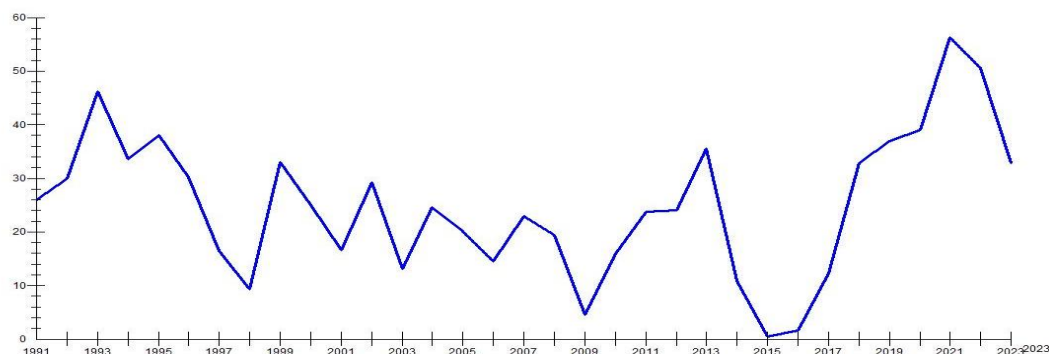
نمودار ۷ تحولات سرانه تولید ناخالص داخلی ایران را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۷۰، سرانه تولید ناخالص داخلی ۱۰۲۷ دلار است. این میزان در سال ۱۳۸۱ به ۱۹۱۱ دلار افزایش می‌یابد. سپس به ۷۹۲۷ در سال ۱۳۹۱ می‌رسد. پس از آن،



نمودار ۷: سرانه تولید ناخالص داخلی در ایران در دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۲

تأثیرپذیری بالای اقتصاد از شوک‌های داخلی و خارجی (مانند تحریم‌ها و سیاست‌های پولی/مالی) است. سال ۲۰۲۱ بالاترین نرخ تورم در کل دوره مشاهده می‌شود، که به نزدیک ۶۰ درصد می‌رسد. این اوج مرتبط با تشدید تحریم‌ها و سیاست‌های پولی و ارزی در سال‌های اخیر است.

نمودار ۸: نشان‌دهنده تورم است که تقریباً همیشه در سطح دو رقمی (بالاتر از ۱۰ درصد) قرار دارد. به جز یک دوره کوتاه، در تمام سال‌ها دو رقمی بوده است که نشان‌دهنده ناپایداری ساختاری در اقتصاد کلان است. نمودار دارای چندین قله و دره بسیار شدید است، که نشان‌دهنده



نمودار ۸: نرخ تورم در ایران در دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۲

دارند. تولید ناخالص داخلی نیز در کوتاه‌مدت، تأثیر فوری نشان می‌دهد. عواملی که با تأخیر تأثیر می‌گذارند (وقفه یک و دو ساله): نرخ باسوادی با تأخیر یک و دو ساله و جمعیت شهری با تأخیر دو ساله رابطه معناداری دارند. تولید ناخالص داخلی نیز با تأخیر یک‌ساله رابطه دارد. عدم تأثیر کوتاه‌مدت: شایان ذکر است که نرخ بیکاری هیچ رابطه‌ی معناداری با متغیر میزان مواد مخدر کشف‌شده در کوتاه‌مدت ندارد. در ادامه، رابطه بلندمدت بین شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی با میزان مواد مخدر کشف‌شده برآورد گردید که نتایج در جدول ۲ ارائه شده‌اند. نتایج برآورد رابطه بلندمدت بین شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و میزان مواد مخدر کشف‌شده (متغیر وابسته) که در جدول ۲ ارائه شده است، حاکی از وجود روابط معنادار برای اکثر متغیرها است.

به منظور بررسی تعاملات اقتصادی-اجتماعی کوتاه‌مدت با میزان مواد مخدر کشف شده، مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی به کار گرفته شد. این مدل، با حداکثر دو سال وقفه، و بر مبنای لگاریتم نمرات شاخص‌ها و با استفاده از معیار اطلاعاتی بیزین-شوارتز، تخمین زده شد. یافته‌های این تحلیل در جدول ۱ گزارش شده است. بر اساس داده‌های ارائه‌شده در جدول، ارتباط معناداری میان میزان مواد مخدر کشف‌شده و مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی-اجتماعی در دوره‌های مختلف کوتاه‌مدت مشاهده می‌شود. عواملی که ارتباط گسترده دارند (وقفه صفر، یک و دو ساله): مشارکت نیروی کار و مشارکت نیروی کار زنان در کوتاه‌مدت و با هر دو وقفه یک و دو ساله، رابطه معناداری از خود نشان داده‌اند. عواملی که ارتباط فوری دارند (وقفه صفر): نرخ تورم بدون هیچ تأخیری و جمعیت شهری در همان سال، رابطه‌ی معنادار

جدول ۱: رابطه کوتاه مدت شاخص های توسعه اقتصادی - اجتماعی ، و میزان مواد مخدر کشف شده در ۱۴۰۲-۱۳۷۰

متغیر (وقفه)	ضریب	خطای معیار	نسبت T	سطح معناداری
میزان مواد مخدر کشف شده (۱)	-۰/۱۹۸۲۸	۰/۲۱۲۵۷	-۰/۹۳۲۷۷	۰/۳۷۱
میزان مواد مخدر کشف شده (۲)	-۰/۸۲۵۴۱	۰/۱۸۱۶۹	-۴/۵۴۲۸	۰/۰۰۱
نرخ تورم	۰/۱۵۹۲۷	۰/۰۵۶۷۶۷	۲/۸۰۷۲	۰/۰۱۷
جمعیت شهری	-۱۹۳/۳۹۴۰	۴۶/۱۳۰۳	-۴/۱۹۲۳	۰/۰۰۲
جمعیت شهری (۱)	۱۱/۴۰۷۹	۴۹/۷۹۵۲	۰/۲۶۶۵۷	۰/۷۹۵
جمعیت شهری (۲)	۱۸۹/۳۲۶۹	۳۳/۳۴۸۱	۵/۶۷۷۳	۰/۰۰۰
نرخ بیکاری	-۰/۰۳۵۱۰۴	۰/۴۱۳۷۲	-۰/۰۸۵۸۵۰	۰/۹۳۴
نرخ بیکاری (۱)	۰/۷۵۰۲۳	۰/۵۴۸۹۵	۱/۳۶۶۷	۰/۱۹۹
مشارکت نیروی کار	-۲۸/۴۸۲۸	۸/۰۴۰۹	-۳/۵۴۲۲	۰/۰۰۵
مشارکت نیروی کار (۱)	۲۹/۰۱۰۲	۱۰/۸۰۳۱	۲/۶۸۵۴	۰/۰۲۱
مشارکت نیروی کار (۲)	۳۶/۴۶۰۲	۸/۶۰۸۳	۴/۲۳۵۵	۰/۰۰۱
مشارکت نیروی کار زنان	۱۰/۴۹۸۲	۴/۱۶۱۱	۲/۵۲۲۹	۰/۰۲۸
مشارکت نیروی کار زنان (۱)	-۱۷/۲۱۳۱	۵/۵۳۹۵	-۳/۱۰۷۳	۰/۰۱۰
مشارکت نیروی کار زنان (۲)	-۱۲/۷۱۲۶	۳/۵۱۷۰	-۳/۶۱۴۶	۰/۰۰۴
نرخ باسوادی	۶/۵۱۹۰	۶/۱۴۷۳	۱/۰۶۰۵	۰/۳۱۲
نرخ باسوادی (۱)	۱۶/۹۳۳۲	۵/۶۱۴۰	۳/۰۱۶۳	۰/۰۱۲
نرخ باسوادی (۲)	۱۵/۷۵۷	۵/۸۱۱۳	۲/۷۱۱۵	۰/۰۲۰
تولید ناخالص داخلی	۰/۶۹۵۲۷	۰/۲۴۵۱۲	۲/۸۳۶۵	۰/۰۱۶
تولید ناخالص داخلی (۱)	۰/۸۴۸۷۱	۰/۳۱۷۶۸	۲/۶۷۱۶	۰/۰۲۲
مقدار ثابت	-۳۷۱/۵۳۲۲	۷۳/۶۹۸۸	-۵/۰۴۱۲	۰/۰۰۰

براساس نتایج، نرخ تورم ($T\text{-Ratio} = -۹/۳۰۲۸$, $Prob. = ۰/۰۰۰$) نیز رابطه منفی و معناداری با متغیر وابسته نشان می دهد و طی آن، با افزایش این متغیرها، میزان مواد مخدر کشف شده کاهش یافته است. با توجه به اینکه، آماره آزمون ($F\text{-statistic} = ۵/۷۲۲۹$) بین محدوده‌های ۹۵٪ پایین (۲/۸) و ۹۵٪ بالا (۴/۳) نیست و بالاتر از باند بالایی (۴/۳) قرار دارد، نتایج آزمون قطعی است و فرض صفر رد می شود (پسران^۱ و همکاران، ۲۰۰۱) و وجود رابطه بلندمدت بین شاخص های توسعه اقتصادی و اجتماعی و میزان مواد مخدر کشف شده تایید می گردد.

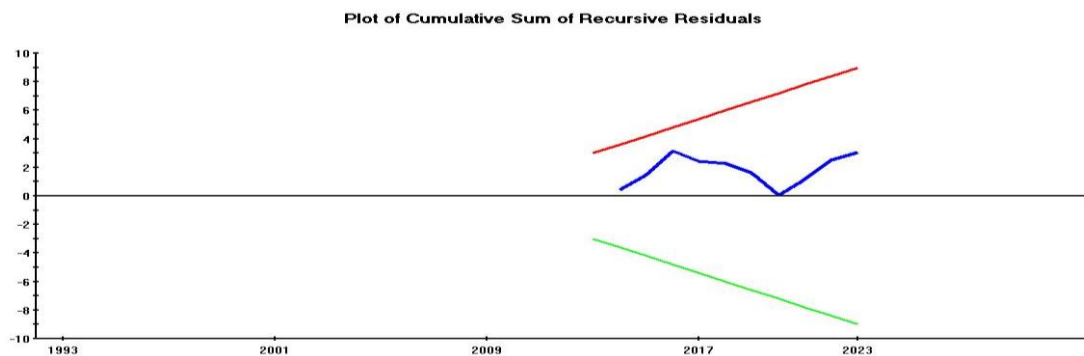
براساس نتایج، نرخ تورم ($T\text{-Ratio} = ۲/۹۵۶۶$, $Prob. = ۰/۰۱۳$)، جمعیت شهری ($T\text{-Ratio} = ۵/۶۷۶۶$, $Prob. = ۰/۰۰۰$)، مشارکت نیروی کار ($T\text{-Ratio} = ۱۳/۱۰۵۲$, $Prob. = ۰/۰۰۰$)، نرخ باسوادی ($T\text{-Ratio} = ۳/۶۵۴۶$, $Prob. = ۰/۰۰۴$)، تولید ناخالص داخلی ($T\text{-Ratio} = ۲/۲۰۵۳$, $Prob. = ۰/۰۰۰$)، رابطه معناداری با میزان مواد مخدر کشف شده دارد و طی آن با افزایش این متغیرها، میزان مواد مخدر کشف شده به طور معناداری افزوده شده است. حسب یافته های پژوهش، متغیر مشارکت نیروی کار زنان

جدول ۲: رابطه بلند مدت شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی با میزان مواد مخدر کشف شده در دوره ۱۳۷۰-۱۴۰۲

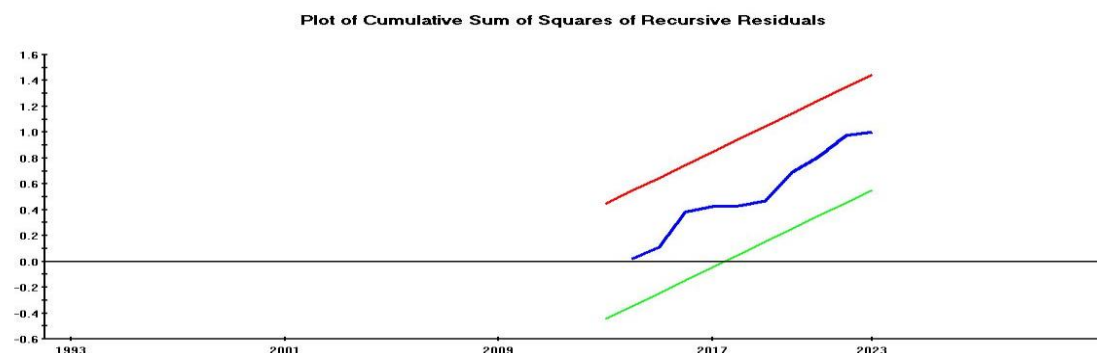
متغیر	ضریب	خطای معیار	نسبت T	سطح معناداری
نرخ تورم	۰/۰۷۸۷۰۴	۰/۰۲۶۶۲۰	۲/۹۵۶۶	۰/۰۱۳
جمعیت شهری	۳/۶۲۷۵	۰/۶۳۹۰۲	۵/۶۷۶۶	۰/۰۰۰
نرخ بیکاری	۰/۳۵۳۳۸	۰/۲۴۳۳۳	۱/۴۵۲۲	۰/۱۷۴
مشارکت نیروی کار	۱۸/۲۷۷۳	۱/۳۹۴۷	۱۳/۱۰۵۲	۰/۰۰۰
مشارکت نیروی کار زنان	۹/۶۰۰۱	۱/۰۳۲۰	-۹/۳۰۲۸	۰/۰۰۰
نرخ با سواد	۱۹/۳۷۵۲	۵/۳۰۱۷	۳/۶۵۴۶	۰/۰۰۰
تولید ناخالص داخلی	۰/۷۶۲۹۵	۰/۱۲۲۹۵	۶/۲۰۵۳	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	-۱۵۳/۵۹۱۶	۱۶/۴۴۳۳	-۱۱/۱۶۵۱	۰/۰۰۰

دو باند قرار گرفته است. این امر ثبات^۱ و پایداری ضرایب معادلات رگرسیونی تخمین زده شده را تأیید می کند.

بر اساس نمودارهای ۹ و ۱۰ که به ترتیب نتایج آزمون‌های CUSUM و CUSUMSQ را نشان می دهند، مسیر حرکت متغیر "مواد مخدر کشف شده" کاملاً در محدوده



نمودار ۹: نمودار CUSUM جهت برآورد ثبات مدل



نمودار ۱۰: نمودار CUSUMSQ جهت برآورد ثبات مدل

بحث و نتیجه‌گیری

تولید و توزیع و مصرف مواد مخدر از مشکلات اساسی دنیای صنعتی معاصر است (مک گانون^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). مطالعه و تحلیل مواد مخدر در ایران، با در نظر گرفتن شاخص‌های اقتصاد کلان و به‌کارگیری داده‌های طولی نسبتاً محدود بوده است. براین مبنای پژوهش حاضر تلاش کرده است مقدار مواد مخدر کشف‌شده در دوره ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۲ را در رابطه با متغیرهای سطح کلان تولید ناخالص داخلی، نرخ مشارکت زنان در بازار کار، بیکاری، سواد و جمعیت شهری، مورد بررسی قرار دهد که نتایج به شرح ذیل هستند.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، در افق بلندمدت، افزایش نرخ تورم به شکل معنادار و مثبتی با بالا رفتن میزان مواد مخدر کشف‌شده مرتبط است. این یافته تحقیق به لحاظ نظری منطبق با رویکرد چهارم است که طی آن با نزول شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی میزان آسیب‌های اجتماعی بالا می‌رود. رویکرد چهارم که به آن اشاره شد، در واقع بیانگر نظریه‌هایی است که بر تنش‌ها و فشارهای ساختاری جامعه تأکید دارند. تورم مستمر باعث کاهش شدید قدرت خرید، ناامنی اقتصادی و فقر نسبی در جامعه می‌شود. این فشار اقتصادی، به‌ویژه در بلندمدت، انگیزه‌ها و فرصت‌های انحراف را افزایش می‌دهد. در این پژوهش، تورم بالا که خود یک شاخص منفی اقتصادی است و باعث نزول رفاه می‌شود به عنوان عامل فشار عمل کرده است. این فشار اقتصادی، دو تأثیر مستقیم دارد که باعث افزایش کشفیات مواد مخدر می‌شود: اول، افزایش عرضه، افراد بیشتری به دلیل نیاز مبرم مالی و ضعف درآمدهای قانونی، به تولید، توزیع و قاچاق مواد مخدر روی می‌آورند که مستقیماً سبب بالا رفتن کشفیات می‌شود. دوم، افزایش مصرف. افراد بیشتری به دلیل فشارهای

روانی و اجتماعی ناشی از فقر و ناامیدی، به مصرف مواد مخدر پناه می‌برند که این افزایش تقاضا، شبکه توزیع را گسترش داده و در نهایت به کشفیات بیشتر منجر می‌شود. همچنین در شرایط تورم بالا و رکود، درآمد واقعی حاصل از مشاغل قانونی بسیار پایین می‌آید. این امر، هزینه فرصت برای روی آوردن به فعالیت‌های پرخطر و سودآور چون قاچاق مواد مخدر را کاهش می‌دهد (احمدی و همکاران، ۱۴۰۱).

بر اساس یافته‌های این تحقیق، در بلندمدت، رابطه مثبت و معناداری میان جمعیت شهری و میزان مواد مخدر کشف شده، وجود دارد. این یافته تحقیق به لحاظ نظری منطبق با رویکرد دوم است که طی آن با بهبود شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی میزان کشفیات مواد مخدر بالا می‌رود. تمرکز و افزایش جمعیت در مناطق شهری، به‌ویژه در شهرهایی با رشد سریع و ناهمگون، منجر به مجموعه‌ای از آسیب‌های ساختاری-اجتماعی می‌گردد (پارک و برجس^۲، ۲۰۰۹). در چنین محیطی، شاهد کاهش انسجام اجتماعی، تضعیف شدید نظارت‌های غیررسمی محله‌ای و شکستن شبکه‌های ارتباطی سنتی و بومی هستیم. این پدیده، که در ادبیات جامعه‌شناسی انحرافات به عنوان بی‌سازمانی اجتماعی شناخته می‌شود (شاو و مک‌کی^۳، ۱۹۴۲)، محیط مساعدتری برای رشد جرم، خشونت، و گسترش بازارهای غیرقانونی، از جمله قاچاق و توزیع مواد مخدر، فراهم می‌کند. این امر به‌طور ویژه در نواحی حاشیه‌نشین و مناطق با تضاد طبقاتی بالا مشاهده می‌شود؛ جایی که مهاجرت کنترل‌نشده و تنوع فرهنگی، فرایند هنجارگذاری و اجرای قوانین غیررسمی را مختل می‌سازد (سامسون^۴، ۱۹۹۷). بنابراین، افزایش کشفیات ممکن است نه تنها نتیجه افزایش توان پلیسی، بلکه بازتابی از بزرگ‌تر شدن حجم بازار و بالا رفتن تعداد جرایم مواد

مخدر در محیط‌های فاقد ساختارهای نظارتی منسجم باشد. افزایش میزان کشفیات مواد مخدر در محیط‌های شهری با رشد جمعیت، همچنین می‌تواند ریشه در دگرگونی‌های ساختاری اقتصاد شهری و پیامدهای آن داشته باشد. رشد سریع شهرنشینی غالباً با افزایش نابرابری اقتصادی و تمرکز فرصت‌ها در بخش‌های خاصی از جامعه همراه است. این وضعیت، به گروه بزرگی از ساکنان، به‌ویژه جوانان و مهاجران، فشار می‌آورد تا به اهداف موفقیت جامعه (مانند ثروت و موقعیت) دست یابند، در حالیکه ابزارهای مشروع برای رسیدن به این اهداف در دسترس نیستند (مرتون، ۱۹۳۸). مطالعات پیمایشی داخلی نیز این رابطه را تأیید می‌کنند؛ به طوری که نشان داده شده است تمرکز جمعیت شهری و نابرابری درآمدی، به‌طور مستقیم با افزایش فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر ارتباط دارد (احدی و همکاران، ۱۴۰۰).

براساس یافته‌های تحقیق در دوره بلند مدت، رابطه مثبت و معناداری بین نرخ مشارکت نیروی کار و کشفیات مواد مخدر وجود دارد و طی آن، با افزایش مشارکت نیروی کار، میزان کشفیات مواد مخدر افزایش یافته است. به لحاظ نظری، انتظار این است که با بهبود نرخ مشارکت نیروی کار، وضعیت اقتصادی فرد بهتر شود و از امکانات بیشتری برخوردار گردد و در نتیجه، توانایی مقابله با آثار و پیامدهای مخرب اعمال و رفتارها همچون سوء مصرف مواد مخدر و روانگردان‌ها افزایش یابد. اما باید این نکته را در نظر داشت که در بلندمدت، افزایش نرخ مشارکت نیروی کار معمولاً همراه با رشد اقتصادی، صنعتی شدن، و گسترش شهرنشینی است. وقتی اقتصاد بزرگتر می‌شود و نیروی کار بیشتری مشغول به کار می‌شوند، اندازه کل اقتصاد افزایش می‌یابد. این افزایش مقیاس باعث می‌شود اندازه بازار کالاها و خدمات، از جمله

بازار غیرقانونی مواد مخدر، نیز بزرگتر شود. رشد اقتصادی باعث افزایش قدرت خرید و تقاضا برای بسیاری از کالاها و خدمات می‌شود. هرچند که کشف مواد مخدر به سمت عرضه اشاره دارد، اما افزایش تقاضا در یک اقتصاد پرونق، عرضه را نیز تحریک می‌کند. همزمان با رشد اقتصادی، منابع تخصیص داده شده به نهادهای امنیتی (پلیس، گمرک و...) برای مقابله با جرایم نیز افزایش می‌یابد. در واقع، با افزایش درآمد و مالیات دولتی، توانایی دولت برای کشف و گزارش مواد مخدر قاچاق شده افزایش می‌یابد، نه لزوماً میزان قاچاق. مراکز صنعتی و شهری که نیروی کار را جذب می‌کنند، معمولاً با پدیده‌هایی چون حاشیه‌نشینی، ترافیک انسانی و گسیختگی‌های اجتماعی بیشتری مواجه هستند که بستری برای افزایش فعالیت‌های غیرقانونی فراهم می‌کنند. این رابطه مثبت به این معنا نیست که کار کردن مردم باعث مصرف یا قاچاق مواد مخدر می‌شود؛ بلکه به این معناست که رشد اقتصادی و توسعه‌ای که باعث افزایش مشارکت نیروی کار می‌شود، همزمان باعث بزرگ شدن بازار کلی اقتصاد (از جمله بازار غیرقانونی) و افزایش توانایی‌های کشف نیروهای امنیتی در بلندمدت نیز می‌گردد. بنابراین، نرخ مشارکت نیروی کار یک شاخص معتبر برای رشد اقتصاد کلان است، و رشد اقتصاد کلان باعث افزایش کشفیات مواد مخدر در گزارش‌های رسمی می‌شود.

بر اساس یافته‌های تحقیق، در بلندمدت، یک ارتباط منفی و معنادار میان نرخ مشارکت نیروی کار زنان و کشفیات مواد مخدر مشاهده شده است. افزایش مشارکت زنان در نیروی کار منجر به افزایش درآمد خانوار می‌شود. فقر و مشکلات اقتصادی یکی از ریشه‌های اصلی آسیب‌های اجتماعی، از جمله اعتیاد و قاچاق، شناخته می‌شوند. ورود زنان به بازار کار، جایگزینی قانونی برای کسب درآمد فراهم کرده و از

سوق یافتن آن‌ها به فعالیت‌های مجرمانه مانند قاچاق و توزیع جلوگیری می‌کند. زنان اغلب به عنوان سنگر اول پیشگیری از اعتیاد در خانواده‌ها شناخته می‌شوند. زمانی که زنان از نظر مالی مستقل‌تر و از نظر اجتماعی توانمندتر می‌شوند، می‌توانند به شکل مؤثرتری بر فرزندان و محیط خانواده نظارت و کنترل داشته باشند و آن‌ها را به فعالیت‌های سالم تشویق کنند. حضور بیشتر زنان در فضای عمومی و بازار کار، می‌تواند منجر به افزایش نظارت اجتماعی و تقویت نهادهای مدنی شود. این امر به‌طور غیرمستقیم، محیط را برای شبکه‌های توزیع و قاچاق مواد مخدر ناامن‌تر می‌سازد. ممکن است افزایش نرخ مشارکت زنان، صرفاً یک نشانگر از یک پدیده بزرگتر باشد؛ یعنی توسعه اقتصادی، افزایش سطح آموزش، بهبود حکمرانی یا اجرای موفق‌تر سیاست‌های مبارزه با مواد مخدر. کشفیات، میزان عرضه و تلاش نیروهای مبارزه را نشان می‌دهد، نه لزوماً میزان مصرف یا تقاضای کل را. ممکن است افزایش مشارکت زنان باعث کاهش تقاضا شده باشد، اما همچنین می‌تواند نشانه‌ای از موفقیت بیشتر و سازماندهی بهتر پلیس و نهادهای مبارزه در همان دوره باشد که به طور همزمان با بهبود وضعیت اقتصادی (که به زنان کمک می‌کند وارد بازار کار شوند) رخ داده است. این یافته در بلندمدت مشاهده شده است. این نشان می‌دهد که اثرات مثبت اشتغال و توانمندسازی اقتصادی زنان یک فرایند تدریجی است و بلافاصله منجر به کاهش معضلات اجتماعی نمی‌شود، بلکه نیازمند زمان برای تغییرات ساختاری و فرهنگی است. این تحلیل با یافته‌های کلی در خصوص ارتباط توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان با کاهش آسیب‌های اجتماعی سازگار است. نهادهای بین‌المللی مانند دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل و بانک جهانی بر نقش اشتغال و

آموزش زنان در کاهش فقر، بهبود سلامت و ثبات اجتماعی تأکید دارند.

براساس یافته‌های تحقیق، در دوره بلند مدت، رابطه مثبت و معناداری بین باسوادی و کشفیات مواد مخدر وجود دارد. معمولاً انتظار می‌رود سواد و تحصیلات بالا باعث افزایش آگاهی، بهبود فرصت‌های شغلی مشروع، و ارتقای سرمایه اجتماعی و فرهنگی شود که در نتیجه، احتمال روی آوردن به انحرافات مانند قاچاق یا مصرف مواد مخدر را کاهش دهد. این رابطه مثبت نشان می‌دهد که سواد مورد نظر (با تعریف فعلی در ایران) لزوماً به موفقیت اقتصادی یا اجتماعی مشروع ترجمه نشده است. به عبارت دیگر، تعداد زیادی از افراد باسواد، همچنان از دستیابی به اهداف و ارزش‌های اجتماعی محروم مانده‌اند و این محرومیت، آن‌ها را به سمت منابع درآمد نامشروع (مانند قاچاق مواد مخدر که منجر به کشفیات بیشتر می‌شود) سوق داده است. اگر آمار سواد در ایران بر اساس تعریف اول (باسوادی پایه) محاسبه شده باشد، طبیعی است که افزایش این نوع سواد، لزوماً به توسعه اقتصادی و اجتماعی منجر نشود. در این خصوص، باید توجه نمود تعریف باسوادی در ایران نسبت به تعریف سازمان یونسکو بسیار متفاوت می‌باشد. بر اساس تعریف مرکز آمار ایران، نرخ باسوادی عبارت از درصد افراد بالغی است که در حد خواندن و نوشتن جملات ساده، روخوانی و روان خوانی قرآن، مهارت دارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). بر اساس تعریف یونسکو (۲۰۲۰)، توانایی ایجاد تغییر، ملاک باسوادی قرار گرفته است. یعنی، شخصی باسواد تلقی می‌شود که بتواند با استفاده از خوانده‌ها و آموخته‌های خود، تغییری در زندگی خود ایجاد کند. نتایج این پژوهش یک درس مهم را مطرح می‌کند: سواد صرف، بدون ارتباط با فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، لزوماً به کاهش آسیب‌های اجتماعی منجر نمی‌شود.

است. تا زمانی که ثمرات رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی به شکلی متناسب و عادلانه میان آحاد مردم توزیع نشود، نمی‌توان انتظار کاهش چشمگیر در آمار انحرافات و آسیب‌های اجتماعی را داشت (عیسی‌زاده و مهرانفر، ۱۳۹۱؛ عباسی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱). دوم، افزایش سرانه تولید ناخالص داخلی و بهبود توان و امکانات مادی افراد. این امر می‌تواند بستر مناسبی را برای گرایش به رفتارهای پرخطر فراهم کند (انجمن حمل و نقل بین‌المللی^۱، ۲۰۱۸). تغییر در شرایط اقتصادی و دسترسی به منابع بیشتر، خواه ناخواه به تحول در سبک زندگی و الگوهای رفتاری می‌انجامد. در بستر فرهنگ مدرن، آزادی فزاینده فرد از قیدوبندهای سنتی و وابستگی‌های شدید اجتماعی، پدیدار می‌شود. در این دوران، فرد برای تمایز یافتن از دیگران و شکل‌دهی به هویت شخصی خود، به دنبال تجربیات جدید و خاص می‌گردد که این امر، شامل ماجراجویی در زندگی مدرن نیز می‌شود. در جوامع پیشرفته یا جوامعی که به سمت مدرنیته حرکت می‌کنند، اوقات فراغت به قلمرویی تبدیل می‌شود که فرد در آن می‌تواند از جهان عقل‌گرا، بوروکراتیک، و به تعبیر وبر، افسون‌زدایی شده فاصله بگیرد. این فرصت، گاهی اوقات به فرد اجازه می‌دهد تا محدودیت‌های نظم اجتماعی را نادیده گرفته و دست به کنش‌های غیرهنجاری بزند (مظفر و همکاران، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر، افزایش قدرت مالی می‌تواند تقاضا برای مواد مخدر و فرصت برای مصرف تفریحی (که پیشتر از لحاظ مالی ممکن نبود) را نیز افزایش دهد. با توجه به این پیچیدگی‌ها، سرانه تولید ناخالص داخلی نباید لزوماً به عنوان تنها و کامل‌ترین معیار پیشرفت و سلامت اجتماعی یک ملت تلقی شود. آنچه در یک جامعه تولید می‌شود ممکن است با نیازهای واقعی و رفع مشکلات

تا زمانی که دولت‌ها سواد را به سطح یونسکو ارتقا ندهند و آن را تنها در سطح روحوانی نگه دارند، صرفاً آمار افراد باسواد را افزایش داده‌اند، بدون اینکه قدرت کارآفرینی، تغییر و کسب ثروت مشروع را در افراد ایجاد کنند.

براساس یافته‌های تحقیق در دوره بلند مدت، رابطه مثبت و معناداری بین سرانه تولید ناخالص داخلی و کشفیات مواد مخدر، وجود دارد. یافته‌های پژوهشی، ارتباطی مثبت و معنادار میان سرانه تولید ناخالص داخلی و حجم کشفیات مواد مخدر را به اثبات رسانده‌اند. این رابطه حاکی از آن است که با بهبود سطح رفاه و شاخص‌های اقتصادی نظیر افزایش سرانه تولید ناخالص داخلی، میزان کشف و ضبط مواد مخدر نیز بالا رفته است. این نتیجه در نگاه اول، یک پارادوکس نظری به نظر می‌رسد و نیازمند بررسی دقیق‌تر دلایل زیربنایی آن است. از منظر تئوری‌های اقتصادی و اجتماعی، انتظار بر این است که با افزایش سرانه تولید ناخالص داخلی، وضعیت اقتصادی عمومی افراد جامعه بهبود یافته و دسترسی به امکانات و فرصت‌های بیشتر فراهم شود. این وضعیت، به نوبه خود، باید توانایی فردی برای مقابله با پیامدهای مخرب رفتارهای پرخطر، از جمله سوءمصرف مواد مخدر و روانگردان‌ها، را افزایش داده و در نهایت به کاهش آسیب‌های اجتماعی منجر شود. اما واقعیت این پدیده، ابعاد پیچیده‌تری را نشان می‌دهد که عمدتاً ناشی از دو عامل کلیدی هستند. اول، نقش حیاتی نابرابری در توزیع ثروت (ضریب جینی). تأثیر بهبود سرانه تولید ناخالص داخلی بر جامعه، به شدت تحت تأثیر چگونگی توزیع این منافع است که با استفاده از شاخص‌هایی نظیر ضریب جینی سنجیده می‌شود (حسن‌زاده و حیدری، ۱۳۹۵). ضریب جینی در واقع معیار سنجش میزان عدالت در توزیع عواید اقتصادی میان اقشار مختلف جامعه

تقدیر و تشکر: این مقاله برگرفته از پژوهشی مستقل است. نویسندگان، مراتب قدردانی و سپاس عمیق خود را به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مرکز آمار ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان پزشکی قانونی و سایر نهادهای ذیربط که با ارائه اطلاعات، سهم بسزایی در پیشبرد این پژوهش ایفا نموده‌اند، ابراز می‌نمایند.

تعارض منافع: نویسندگان مقاله اعلام می‌دارند که در مورد انتشار این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

ساختاری جامعه همخوانی نداشته باشد. به عنوان مثال، تولید انبوه در بخش‌های غیر ضروری یا سرمایه‌گذاری‌های نامتوازن، مانند تمرکز بیش از حد بر سخت‌افزارهای نظامی که نتوانست مشکلات اقتصادی بنیادین اتحاد جماهیر شوروی را حل کند (آزننگه^۱، ۱۹۹۱) نشان می‌دهد که کیفیت و نحوه توزیع تولید به مراتب مهم‌تر از صرف حجم تولید است.

ملاحظات اخلاقی: نویسندگان اعلام می‌دارند، موضوعات اخلاقی شامل سرقت ادبی، رضایت آگاهانه، سوءرفتار، جعل داده و انتشار و ارسال مجدد و مکرر توسط نویسندگان رعایت شده است.

منابع فارسی

احمدی، رضا، محمدی، شهرام، طغرانگار، حسن. (۱۴۰۰). بررسی عوامل محیطی مؤثر بر اعتیاد به مواد مخدر صنعتی (مطالعه موردی: شهر زنجان). پژوهشهای حقوقی، ۲۰(۴۵)، ۱۸۱-۱۴۹.

<https://doi.org/10.48300/jlr.2021.129111>

احمدی، حبیب، غلامی‌آییز، محسن. (۱۳۸۳). بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر اعتیاد (مطالعه موردی: معتادان اردوگاه پیرنجان شهر شیراز)، فصلنامه اعتیادپژوهی، ۲(۵)، ۸۵-۱۰۵.

احمدی، سیروس. (۱۴۰۱). تحلیل جامعه‌شناختی رابطه شاخص‌های اقتصادی و قتل در ایران در دوره‌های ۱۳۹۷-۱۳۷۴. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۳(۳)، ۸۳-۱۰۰.

<https://doi.org/10.22108/jas.2022.127780.2072>

اکبری، حسن، احمدی، حسن. (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی پدیده قاچاق مواد مخدر توسط زنان در شهر زنجان، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۳(۳۲)، ۱۱۳-۱۳۲.

اینگلهارت، رونالد، ولزل، کریستین. (۱۳۹۱). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*. ترجمه یعقوب احمدی. تهران: نشر کویر.

بیاتی، پروانه. (۱۳۸۹). بستر اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر اعتیاد به مواد روان-گردان. فصلنامه اعتیادپژوهی، ۴(۱۴)، ۷-۱۵.

توسلی، غلامعباس. (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی شهری*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

حیدری، حسن، و حسن زاده، اکبر. (۱۳۹۵). رابطه نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی در ایران. رفاه اجتماعی، ۱۶(۶۳)، ۸۹-۱۲۵.

ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور.

سیفی، داود، محمدی، بهنام، مهدی پور، محمد، قدسینا، مرضیه. (۱۴۰۰). پهنه‌بندی جرائم مواد مخدر و ارزیابی و مدل سازی عوامل مؤثر بر

آن با استفاده از تکنیک سیستم عصبی- فازی. اعتیاد پژوهی، ۱۶(۶۱)، ۴۷-۱۱.

شهبازی، فاطمه، میرترابی، سیدداوود، قدیرزاده، محمدرضا، قریشی، سیدمحمدصادق. (۱۳۹۷). بررسی اپیدمیولوژی مرگ و میر ناشی از سوء مصرف مواد مخدر در اجساد ارجاعی به سازمان پزشکی قانونی کشور در سال ۱۳۹۲. *مجله اپیدمیولوژی ایران*، ۱۴(۱)، ۹-۱۸.

صداقت، حمید، احمدی، سیروس، مختاری، مریم، صرامی، حمید. (۱۴۰۲). رابطه شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و مرگ و میر ناشی از مصرف مواد مخدر در ایران در دوره ۱۳۷۰-۱۳۹۹: یک تحلیل سری زمانی. *فصلنامه علمی اعتیادپژوهی*، ۱۷ (۶۷)، ۳۲۹-۳۵۴.

<http://dx.doi.org/10.52547/etiadpajohi.17.67.329>

صداقت، حمید، خواجه نوری، بیژن، گلخنی، شهره. (۱۴۰۴). رابطه شاخص‌های کلان اقتصادی اجتماعی و حوادث ناشی از کار در ایران در دوره ۱۴۰۱-۱۳۷۶. *مجله جامعه شناسی صنعتی*، ۲(۱)، ۱۹۵-۲۱۳.

<https://doi.org/10.22034/jis.2025.721504>

صرامی، حمید. (۱۴۰۱). مصرف مواد مخدر در ایران. *خبرگزاری جمهوری اسلامی*. کد خبر: ۸۴۷۷۴۹۹۰

صرامی، حمید رضا. (۱۳۹۳). بررسی علل مرگ و قتل ناشی از اعتیاد، قاچاق مواد مخدر و روان گردان ها. *سلامت اجتماعی و اعتیاد*، ۱(۱)، ۲۳-۴۲.

عباسی نژاد، حسین، رضایی، هادی، صادقی، مینا. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران. *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۰ (۶۴)، ۸۶-۶۵.

عیسی زاده، سعید، مهرانفر، جهانبخش، مهرانفر، مهدی. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین جرم و شاخص‌های کلیدی اقتصاد کلان در ایران. *نشریه راهبرد توسعه*، ۸(۱)، ۵۷-۳۹.

قدیرزاده، محمدرضا، یاری نسب، فاطمه، امینی، کامروز، نظری، ایمان. (۱۳۹۸). میزان بروز مرگ و میر ناشی از سوء مصرف مواد مخدر و محرک در اجساد ارجاعی به اداره کل پزشکی قانونی استان کهگیلویه و بویراحمد طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷. *مجله پزشکی قانونی*، ۲۵(۳)، ۱۵۰-۱۴۵.

گبدنز، آنتونی. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

لشگری، مجتبی، رامشگر، حسین، مهدی، ارمغان، درویشی، مصطفی. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر شاخص‌های کلان اقتصادی بر تکرار جرائم مواد مخدر (۱۳۸۵-۱۳۵۸). *اعتیادپژوهی*، ۱۰ (۳۸)، ۲۴۹-۲۳۳.

مختاری، مریم، جعفری مهر، حسین. (۱۴۰۲). مقایسه ساز و کار مصرف مواد و سیاستگذاری‌های مرتبط با آن در ایران و دیگر کشورهای جهان. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۱۰ (۳۷)، ۱۶۸-۱۲۹.

<https://doi.org/10.22054/rjsw.2024.73978.679>

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۶). سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵. تهران: مرکز آمار ایران.

مظفر، حسین، ذکریایی، منیژه، ثابتی، مریم. (۱۳۸۸). آئومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۱۳-۲۸ ساله شهر تهران. *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، ۳(۴)، ۵۴-۳۳.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. (۱۴۰۰). *سالنامه آماری*. تهران: مرکز آمار و اطلاعات راهبردی.

References

- Abbasi Nejad, H., Ramzani, H., & Sadeghi, M. (2012). Investigating the relationship between unemployment and crime in Iran. *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 20(64), 65-86. [In Persian]
- Ahadi, R., Mohammadi, S., Toghranegar, H. (2021). Investigation of environmental factors affecting addiction to synthetic drugs (Case study: Zanjan City). *Legal Research*, 20(45), 149-181. [In Persian]
- <https://doi.org/10.48300/jlr.2021.129111>

- Ahmadi, H., & Gholami-Ayez, M. (2004). Investigation of socio-economic factors affecting addiction (Case study: Addicts at the Pirbanan camp in Shiraz). *Addiction Research*, 2(5), 85-105. [In Persian]
- Ahmadi, S. (2022). A sociological analysis of the relationship between economic indicators and homicide in Iran (1995–2018). *Applied Sociology*, 33(3), 83-100. [In Persian]
<https://doi.org/10.22108/jas.2022.127780.2072>
- Ahmadi, S. (2022). Relationship between mobile penetration rate and divorce rate in Iran during 1995–2019: A time-series study. *Journal of Family Issues*, 43(11), 2954-2971.
<https://doi.org/10.1177/0192513X211038066>
- Akbari, H., & Ahmadi, H. (2012). A sociological study of drug trafficking by women in Zanzan. *Social Security Studies Quarterly*, 3(32), 113-132. [In Persian]
- Anderson, M. L., & Taylor, H. F. (2012). *Sociology: The essentials*. United States. Wadsworth Cengage Learning.
- Andzenge, D. T. S. (1991). *Crime and development: A comparative analysis*. Western Michigan University.
- Bayati, P. (2010). The socio-cultural context influencing addiction to psychotropic substances. *Addiction Research*, 4(14), 7-15. [In Persian]
- Becker, G.S. (1968). Crime and punishment: An economic approach. *Journal of Political Economy*, 76(2), 169–217.
- Durkheim, E. (1952). *Suicide: A study in sociology*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Eisazadeh, S., Mehranfar, J., & Mehranfar, M. (2012). Investigating the relationship between crime and key macroeconomic indicators in Iran. *Development Strategy Quarterly*, 8(1), 39-57. [In Persian]
- Franzese, R. J. (2015). *The sociology of deviance*. New York: Charles C Thomas Publisher.
- Ghadirzadeh, M. R., Yarinassab, F., Amini, K., & Nazari, E. (2019). Mortality rate due to narcotic and stimulant abuse among bodies referred to the General Department of Forensic Medicine of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province (2013–2018). *Journal of Forensic Medicine*, 25(3), 145-150. [In Persian]
- Galea, S., Ahern, J., Vlahov, D., Coffin, P. O., Fuller, C., Leon, A. C., & et al. (2003). Income distribution and risk of fatal drug overdose in New York City neighborhoods. *Drug and Alcohol Dependence*, 70, 139–148.
[https://doi.org/10.1016/s0376-8716\(02\)00342-3](https://doi.org/10.1016/s0376-8716(02)00342-3)
- Giddens, A. (2013). *Sociology*. (M. Sabouri, Trans.). Tehran: Ney Publication. [In Persian]
- Gunnell, D., Chang, S. S., Sterne, J. A., Lu, T. H., & Cheng, A. T. (2009). Was the economic crisis 1997-1998 responsible for rising suicide rates in East/Southeast Asia? A time-trend analysis for Japan, Hong Kong, South Korea, Taiwan, Singapore and Thailand. *Social Science & Medicine*, 68(7), 1-12.
<https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2009.01.010>
- Heidari, H., & Hasanazadeh, A. (2016). The relationship between income inequality and economic growth in Iran. *Social Welfare*, 16(63), 89-125. [In Persian]
- Henry, A. F., & Short, J. F. (1954). *Suicide and homicide: Some economic, sociological and psychological aspects of aggression*. New York: Free Press.
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2012). *Modernization, cultural change, and democracy*. (Y. Ahmadi, Trans.). Tehran: Kavir Publication. [In Persian]
- International Air Transport Association. (2018). Annual review 2018: 74th Annual General Meeting. Sydney. Available at: <https://www.iata.org/en/events/agm/agm-2018/>
- Lashgari, M., Rameshgar, H., Mehdi, E., & Darvishi, M. (2016). Investigating the impact of macroeconomic indicators on the recurrence of drug-related crimes (1979–2006). *Addiction Research*, 10(38), 233-249. [In Persian]

- Lafree, G. A., & Drass, K. A. (2002). Counting crime booms among nations: Evidence for homicide victimization rates, 1956 to 1998. *Criminology*, 40(4), 769-800.
<https://doi.org/10.1111/j.1745-9125.2002.tb00973.x>
- Malik, A. A. (2016). Urbanization and crime: a relational analysis. *Journal of Human Social Science*, 21(1), 68-69.
<https://doi.org/10.9790/0837-21146874>
- Mann, J. J., & Metts, A. V. (2017). The economy and suicide: An interaction of societal and intrapersonal risk factors [Editorial]. *Crisis: The Journal of Crisis Intervention and Suicide Prevention*, 38(3), 141-146.
<https://doi.org/10.1027/0227-5910/a000487>
- McGannon, K. R., Estrange, M., & McMahon, J. (2020). The role of ultrarunning in drug and alcohol addiction recovery: An autobiographic study of athlete journeys. *Psychology of Sport and Exercise*, 46(1), 1-10.
<https://doi.org/10.1016/j.psychsport.2019.101585>
- Merton, R. K. (1938). Social structure and anomie. *American Sociological Review*, 3(5), 672-682.
- Merton, R. K. (1957). The role-set: Problems in sociological theory. *The British Journal of Sociology*, 8(2), 106-120.
<https://doi.org/10.2307/587363>
- Milner, A., Hjelmeland, H. M., Arensman, E., & De Leo, D. (2013). Social-environmental factors and suicide mortality: a narrative review of over 200 articles. *Sociology Mind*, 3(2), 137-148
<https://doi.org/10.4236/sm.2013.32021>
- Mokhtari, M., & Jafari Mehr, H. (2023). A comparison of substance use mechanisms and related policies in Iran and other countries. *Social Work Research Journal*, 10(37), 129-168. [In Persian]
DOI: doi.org/10.22054/rjsw.2024.73978.679
- Mozaffar, H., Zekriayi, M., & Sabeti, M. (2009). Cultural anomie and drug addiction among youth aged 13-28 in Tehran. *Journal of Social Sciences Research*, 3(4), 33-54. [In Persian]
- Ministry of Cooperatives, Labor, and Social Welfare. (2021). Statistical yearbook. Tehran: Strategic Statistics and Information Center. [In Persian]
- Nagelhout, G. E., Hummel, K., De Goeij, M. C., De Vries, H., Kaner, E., & Lemmens, P. (2017). How economic recessions and unemployment affect illegal drug use: A systematic realist literature review. *International Journal of Drug Policy*, 44, 69-83.
<https://doi.org/10.1016/j.drugpo.2017.03.013>
- Monnat, S. M. (2019). The contributions of socioeconomic and opioid supply factors to U.S. drug mortality rates :Urban-rural and within-rural differences. *Journal of Rural Studies*, 68, 319-335.
<https://doi.org/10.2105/AJPH.2019.305197>
- Noël, X., Van der Linden, M., d'Acremont, M., Brouwers, E., & Bechara, A. (2013). The contribution of the dual-process model in the understanding of addiction. *The American Journal of Drug and Alcohol Abuse*, 39(2), 65-72.
<https://doi.org/10.1037/a0015991>
- Origer, A., Le Bihan, E., & Baumann, M. (2014). Social and economic inequalities in fatal opioid and cocaine related overdoses in Luxembourg: A case-control study. *International Journal of Drug Policy*, 25(5), 911-915.
<https://doi.org/10.1016/j.drugpo.2014.05.015>

- Park, R. E., & Burgess, E. W. (2009). *The city: Suggestions for investigation of human behavior in the urban environment*. Chicago: University of Chicago Press.
- Platt, S. (1984). Unemployment and suicidal behavior: a review of the literature. *Social Science & Medicine*, 19(2), 93-115.
[https://doi.org/10.1016/0277-9536\(84\)90276-4](https://doi.org/10.1016/0277-9536(84)90276-4)
- Sachs, W. (1992). *The development dictionary: A guide to knowledge as power*. London: Zed Books.
- Sampson, R. J. (1997). The embeddedness of crime in urban settings: Local social ties as a link to higher-level structure. *European Journal on Criminal Policy and Research*, 5(3), 25-48.
- Sarami, H. (2014). Investigating the causes of death and homicide resulting from addiction and the trafficking of narcotics and psychotropic substances. *Social Health and Addiction*, 1(1), 23-42 [In Persian]
- Sarami, H. (2022). Drug use in Iran. Islamic Republic News Agency. News code: 84774990. [In Persian]
- Seifi, D., Mohammadi, B., Mehdipour, M., & Ghodsny, M. (2021). Zoning of drug-related crimes and evaluation and modeling of factors affecting them using the neuro-fuzzy system technique. *Addiction Research*, 16(61), 11-47. [In Persian]
- Sedaghat, H., Ahmadi, S., Mokhtari, M., & Sarami, H. (2023). The relationship between socioeconomic development indicators and drug-related mortality in Iran (1991-2020): A time-series analysis. *Addiction Research*, 17(67), 329-354. [In Persian]
<http://dx.doi.org/10.52547/etiadpajohi.17.67.329>
- Sedaghat, H., Khajehnoori, B., & Golkhani, S. (2025). Relationship between socioeconomic indicators and work-related accidents in Iran from 1997 to 2022. *Journal of Industrial Sociology*, 2(1), 195-213. [In Persian]
<https://doi.org/10.22034/jis.2025.721504>
- Shahbazi, F., Mirtarabi, S. D., Ghadirzadeh, M. R., & Ghoreishi, S. M. (2018). Epidemiological study of mortality due to drug abuse among bodies referred to the Legal Medicine Organization of Iran in 2013. *Iranian Journal of Epidemiology*, 14(1), 9-18. [In Persian]
- Shaw, C. R., & McKay, H. D. (1942). *Juvenile delinquency and urban areas*. University of Chicago Press.
- Schoenfeld, E. R., Leibowitz, G. S., Wang, Y., Chen, X., Hou, W., & et al. (2019). Geographic, temporal and sociodemographic differences in opioid poisoning. *American Journal of Preventive Medicine*, 57(2), 153-164.
<https://doi.org/10.1016/j.amepre.2019.03.020>
- Sotoudeh, H. (2016). Social pathology. Tehran: Avaye Noor Publication. [In Persian]
- Stack, S. (1981). Divorce and suicide: a time series analysis, 1933-1970. *Journal of Family Issues*, 2(1), 77-90.
<https://doi.org/10.1177/0192513x8100200106>
- Stuckler, D., Basu, S., Suhrcke, M., Coutts, A., & McKee, M. (2009). The public health effect of economic crises and alternative policy responses in Europe: an empirical analysis. *The Lancet*, 374(9686), 315-323.
[https://doi.org/10.1016/s0140-6736\(09\)61124-7](https://doi.org/10.1016/s0140-6736(09)61124-7)
- Summers, T., & Robertson, K. (2021). Macroeconomic volatility and substance abuse: A global time-series analysis. *Economic Policy Journal*, 10(2), 55-78.
- Statistical Center of Iran. (2016). 8th national population and housing census. Tehran: SCI Publication. [In Persian]
- Tavassoli, G. (2014). Urban sociology. Tehran: Jame-shenasan Publication. [In Persian]

Taylor, C. (1992). *The ethics of authenticity*. Massachusetts: Harvard University Press.

UNODC Research (2020). *World Drug Report*. Available at: <https://wdr.Unodc.org/wdr2020/en/index2020.html>.

UNESCO. (2020). Literacy data and analysis. Available at: <https://en.unesco.org/themes/literacy>.

World Health Organization. (2018). *Global status report on alcohol and health*. Geneva: WHO Press.

World Health Organization. (2024). *Global status report on alcohol and health*. Geneva: WHO Press.

Yoon, H., Lee, J., & Kim, S. (2018). Socioeconomic determinants of illicit drug use: Evidence from developing countries. *International Journal of Social Welfare*, 27(4), 310-325

<https://doi.org/10.14196/mjiri.31.108>